مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

آیه‌ای از اخلاص

ویژه شهادت آیت الله صدوقی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

آیه ای از اخلاص: شهید آیت اللّه حاج علی قدوسی (ره)

نویسنده:

حلیمه قریب بلوک

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیه ای از اخلاص: شهید آیت اللّه حاج علی قدوسی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه : قریب بلوک، حلیمه، ۱۳۵۰-

عنوان و نام پدیدآور : آیه ای از اخلاص/حلیمه قریب بلوک ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۴،[۸۹] ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۸۵۱

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۸۸-۹

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۹] ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قدوسی، علی، ۱۳۰۶-۱۳۶۰ -- سرگذشتنامه.

موضوع : روحانیت -- ایران -- فعالیتهای سیاسی.

موضوع : ایران -- تاریخ جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -- شهیدان.

موضوع : ایران -- تاریخ، انقلاب اسلامی -- ۱۳۵۷- روحانیت.

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷-- جنبشهای اسلامی.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۶۸/ق۴ ق۴ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۰۱۷۱

ص:۱

اشاره

آیه ای از اخلاص

کد: ۸۵۱

نویسنده: حلیمه قریب بلوک

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۵۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: irc@irib.ir

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹-۸۸-۸۶۰۶-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۸۸-۹

فهرست مطالب

۶ . توقیف مطبوعات برانداز و مبتذل۴۲

۷. حمایت از دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی امریکا۴۲

ک) نظم در کارها۶۸

ل) سخت کوشی۶۹

م) قاطعیت۶۹

شهید قدوسی:۱۰۵

کتاب نامه۱۰۶

ص:۸

الف) کتاب ها۱۰۶

ب) نشریه ها۱۰۶

دیباچه

سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشتند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند.

امام خمینی رحمه الله

حوزه های علمیه همواره مهد پرورش عالمانی بوده است که گام در راه حق گذارده و کام تشنه خود را از سرچشمه زلال وحی سیراب ساخته اند.هزاران عالم و عارف راستین شیعه که به سان شمع با سوختن خویش چلچراغ هدایت امت اسلام را فروزان نگه داشتند، تربیت یافتگان این مکتب اند. پرورش یافتگان این دانشگاه بزرگ و جاودانه اسلام، در انجام رسالت خویش و پاسداری از وحی الهی سر از پای نشناختند و تا سرمنزل شهادت پیش رفتند. این حقیقت، در کلام بزرگ مرد تاریخ ــ خمینی کبیر رحمه الله ــ چنین آمده است:

آنان در هر عصری از اعصار، برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت ها و تلخی هایی متحمل شده اند و همراه با تحمل اسارت ها، تبعیدها، زندان ها و اذیت و آزارها و زخم زبان ها، شهدای گران قدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده اند... از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و

جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است.

شهید بزرگوار آیت اللّه قدوسی رحمه الله از استادان بزرگ و ستارگان درخشان حوزه علمیه است که زهد، اخلاص، پشتکار، نظم، شجاعت و قاطعیت وی از او شخصیت کم نظیری ساخته و در میدان علم و عمل، دیانت و سیاست و تدریس و تربیت به سعادت حقیقی دست یافت. او با تأسی از سرور و سالار شهیدان، پس از کسب مدال شهادت برای فرزند و پاره تن خویش، خود نیز جام شهادت سر کشید و به محفل قدوسیان راه یافت.

نوشتار حاضر نگاهی کوتاه به زندگی پر افتخار آن عالم شهید است که به منظور کار بست در برنامه های گوناگون صدا و سیما فراهم گردیده است، با تقدیر و سپاس فراوان از سرکار خانم حلیمه قریب بلوک که با تهیه و تدوین این اثر ما را یاری نمودند؛ آن را توشه راه برنامه سازان ارجمند صدا و سیما می سازیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

در تاریخ اسلام، مردان بزرگی پا به عرصه وجود نهاده اند و سطور درخشانی از رشادت ها و فداکاری ها را در کارنامه خود به یادگار گذاشته اند.

شهید بزرگوار آیت اللّه حاج علی قدوسی از چهره های درخشانی است که صفات اخلاقی و ارزش های اعتقادی و منش رفتاری و مبارزاتی اش می تواند راهنمای راه ما قرار گیرد و در فراز و نشیب ها و مشکلات نظری و عملی زندگی یاری گرمان باشد.

دشمنان انقلاب به خیال خویش، می خواستند استوانه های این نظام مقدس را از بین ببرند تا با سست کردن پایه های آن، بدنه اصلی انقلاب نیز فرو ریزد، ولی نمی دانستند که این نظام الهی با رفتن اشخاص از بین نخواهد رفت. ایشان در میدان جهاد اکبر، با ایمانی مستحکم و دلی لبریز از عشق به معبود، به جنگ اهریمنان رفت و شجاعانه قلّه های صبر و مقاومت را فتح کرد و گل های خوشبوی رضوان الهی را بویید و پله های صعود و قرب را یکی پس از دیگری پیمود.

شهید قدوسی با آوای روح بخش و ملکوتی درس های اخلاقش، یخ های غفلت و فراموشی قلب ها را در هم شکست و با آموزهای عبرت آموزش، راه رستگاری و بیداری را پیش چشممان نهاد.

این نوشتار، پژوهشی است در زمینه ابعاد زندگی و شخصیتی آن شهید والامقام. به امید آن که مورد استفاده برنامه سازان قرار گیرد.

فصل اول: آغاز راه

اشاره

فصل اول: آغاز راه

دوازدهم مرداد ماه سال ۱۳۰۶ شمسی، برابر با پنجم رجب،(۱) زمانی که هنوز دو سال از روی کار آمدن رضا خان نگذشته بود، در شهر کوچک نهاوند پسری در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. این کودک که آخرین فرزند خانواده بود، علی نامیده شد. از همان آغاز، نبوغ و استعداد ویژه ای در این پسر به چشم می خورد که او را از دیگران ممتاز می کرد.

پدر وی، مرحوم آیت اللّه ملا احمد از علمای بنام زمان خود و مرجع تقلید نهاوند و شهرهای اطراف بود. وی مسئولیت امور شرعیه و قضاوت میان عموم مردم را بر عهده داشت. او در علم و تقوا زبانزد خاص و عام بود. جدّ پدری ایشان آخوند ملا حسین نیز از علمای نهاوند و مردی با فضیلت و باتقوا بود. همچنین عموی ملا احمد، آخوند ملاعلی اکبر نیز یکی از عارفان برجسته بود و با

۱- جمعی از نویسندگان، یادنامه شهید آیت الله قدوسی، قم، انتشارات شفق، ۱۳۶۳، ص ۲۲.

این که در دوران جوانی از دنیا رفت(۱)، مردم او را به عنوان فردی صاحب کرامت می شناختند.

شخصیت پدر

شخصیت پدر

درباره پـدر شـهید قدوسـی نوشـته انـد که آخونـد ملا احمد، از علمای بزرگ بود که دوران تحصـیلی خود را در حوزه علمیه نجف گذراند و نزد بسـیاری از علمای زمان به زهد و اجتهاد و قدرت علمی معروف بود. در آغاز جوانی، برای تحصـیل علوم دینی از نهاوند به شهر نجف هجرت کرد. وی در تحصیل علم بسیار کوشا بود. ایشان خود در این باره می گوید:

هنگـامی که در حجره بودم، چه بسـا شب هـا تا صبح به مطالعه می پرداختم و متوجه نمی شـدم در چه ساعتی از شب هسـتم. ناگهان می دیدم سپیده صبح طلوع کرده و غذایی که برای شام دیشب روی چراغ نفتی گذاشـته ام، فراموش کرده ام. آن غذا سـوخته و از بیـن رفتـه و هیـچ پـول دیگری برای تهیـه غـذا نـدارم. بنـابراین، آن شـب را چـون شـب هـای دیگر گرسـنه می گذراندم.(۲)

در حـالی که خـانواده ملاـ احمـد وضـعیت مـالی خوبی داشـتند، ولی به دلیـل دوری راه و نبودن ارتبـاط میان نهاونـد و نجف، خانواده او نمی توانستند برایش پول بفرستند.

مرحوم ملااحمد، پس از کسب فیض از محضر علمایی هم چون مرحوم آیت اللّه میرزا محمد حسین شیرازی، مرحوم آیت اللّه میرزا حبیب اللّه رشتی و مرحوم

۱- محمد حسین قدوسی، پارسای پرتلاش، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- شهید قدوسی، پارسای پر تلاش، ص ۱۸.

آیت اللّه آخوند ملا کاظم خراسانی، به مقام اجتهاد دست یافت.(۱)

ایشان پس از به پایان رسیدن تحصیلاتش در نجف اشرف با این که می توانست به شهرهای بزرگ به ویژه قم و تهران مهاجرت کنند و موقعیت بهتری داشته باشند، ولی تنها برای اطاعت از فرمان پدر به نهاوند و زادگاه خود بازگشت و تا پایان عمر در آنجا به سر برد.

مرحوم آیت اللّه ملاـ احمد قدوسی، اگر چه خانواده ای ثروتمند داشت و خود دارای املاک و سرمایه فراوانی بود، ولی در زندگی شخصی خویش در نهایت زهد و ریاضت به سر می برد؛ در حالی که انبارهای منزل او پر از انواع محصول های غذایی بود و همه افراد خانواده، خویشان، همسایه ها و افراد بیگانه از آن استفاده می کردند، خود او به غذای ساده مانند نان و پنیر، بسنده می کرد.

ساعت های زندگی او از دو قسمت تشکیل شده بود: بخشی از وقت روزانه را به امور مردم، حل دعواها، قضاوت و اجرای حدود الهی می پرداخت و بقیه را به مطالعه و عبادت می گذراند.

ازدواج و فرزندان

ازدواج و فرزندان

شهید قدوسی رحمه الله در درس فلسفه و تفسیر مرحوم علامه طباطبایی حضور می یابد و رفته رفته در شمار شاگردان ممتاز ایشان نیز قرار می گیرد و همین سبب می شود تا علامه به وی توجه ویژه ای داشته باشد و در سال ۱۳۴۴ ه . ش

۱– یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۲.

شهید قدوسی را به دامادی خود می پذیرد.(۱) حاصل این ازدواج ۴ فرزند پسر و ۲ دختر است.

شهادت فرزند

شهادت فرزند

محمدحسن، فرزند بزرگ شهید قدوسی، دانشجوی رشته جامعه شناسی دانشگاه مشهد و از دانشجویان پیرو خط امام بود. وی پیش از انقلاب بسیار فعال بود و یک بار هم به زندان افتاد. هم چنین در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در یک درگیری مسلحانه در مشهد، از ناحیه دست زخمی شد، ولی نیروهای شاه نتوانستند وی را دستگیر کنند، اثر زخم و جراحت، سبب ناراحتی شدید او پس از آن حادثه شده بود که تا آخر عمر هم چنان باقی ماند. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مؤسسان انجمن اسلامی دانشگاه مشهد بود و سپس در بخش تحقیقات دفتر تحکیم وحدت فعالیت می کرد. همچنین برای راه اندازی اردوهای عقیدتی در تهران بسیار می کوشید و به دلیل آشنایی قبلی با اعضای جامعه مدرسین و روحانیون مبارز، از نخستین افرادی بود که ارتباط میان دانشجویان و روحانیون را برقرار کرد.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، میل به جهاد و عشق شهادت، چنان در وجودش زبانه کشید که همه کارهای اجتماعی و فرهنگی و حتی معالجه جراحت دست خود را کنار گذاشت. مسئولان انقلاب که او را شناخته و می دانستند فردی لایق و مقید است، با اجبار او را در تهران نگه داشتند، ولی او تمام کارها را رها کرد، و به به جبهه رفت و به جمع کوچکی از فداکارترین فرزندان اسلام و قرآن که

۱- رسالت، ۱۵/۶/۶۸، ش ۲۳، ص ۴؛ پارسای پر تلاش، ص ۳۹.

در سپاه پاسداران هویزه مستقر بودند پیوست. در طول سه ماهه اول جنگ تحمیلی، بیشترین عملیات را بر ضد قوای متجاوز بعثی انجام داد. این عملیات ها که شبانه و به صورت پنهانی انجام می شد، در آن منطقه سدی محکم در برابر پیشروی دشمنان بعثی ایجاد کرد.

در ۱۵ دی ۱۳۵۹ (برابر با ۲۸ صفر) در عملیات(۱) سرتاسری قوای ایرانی، در حالی که این گروه اندک، کیلومترها در دل قوای عراقی پیشروی کرده بودند، به سبب نرسیدن نیروی کمکی در محاصره تانک ها قرار گرفتند و تقریباً همه آنان که ۱۶ نفر بودند به شهادت رسیدند. شهید محمد حسن قدوسی نیز که بیست و سومین سال عمرش را پشت سر می گذاشت، در اثر گلوله ای که به گلویش اصابت کرد به لقای دوست شتافت.(۲)

شهید قدوسی با همه علاقه ای که به فرزند عزیزش داشت، چنان صبر و استقامتی از خود نشان داد که سبب شگفتی همه شد. یکی از برادرانی که چند ساعت پس از رسیدن خبر شهادت، شهید قدوسی را دیده بود، چنان حالت او را عادی می یابد که ابتدا فکر می کند هنوز خبر شهادت فرزندش به او نرسیده است. در همان حال شهید قدوسی به همسر خود می گوید:

«مواظب باش برای چیزی که در راه خدا داده ای، یک دفعه کنترل خود را از

۱- شهید محمدحسن قدوسی، نخست مفقودالاثر بود و بعدها جنازه مطهر آن شهید عزیز در منطقه هویزه پیدا شد و با شکوه فراوان تشییع و در محل دفن شهدای هویزه به خاک سپرده شد یادنامه شهید قدوسی، ص ۵۸.

۲- پارسای پرتلاش، ص ۱۴۰.

دست ندهی و ضجه و ناله نکنی».(۱)

او ابراهیمی بود که اسماعیلش را به مذبح فرستاد و صابر و ثابت قدم ماند و اثر خون فرزندش چون سیلی بنای عنکبوتی دشمنان داخلی و خارجی را بر باد داد.

او پس از شهادت فرزند رشیدش و پس از جنایت هولناك هویزه با اندوه فراوان در حالی که در آن لحظه هم حاضر نشد نام فرزند خویش را بیان کند چنین می گوید: «عراقی ها جسد شهدای ما که به دستشان می رسد، می سوزانند!»(۲)

پنج فرزند دیگر ثمره زندگی شهید قدوسی بود که یکی از آنان هم اکنون به درس علوم دینی مشغول است.

۱- پارسای پرتلاش، ص ۱۴۰.

۲- عدالت در خون، ص ۹۹.

فصل دوم: زندگی علمی

اشاره

فصل دوم: زندگی علمی

زیر فصل ها

دوران تحصیل

توفیق الهی

هجرت به حوزه علمیه قم

استادان

اجازه اجتهاد

آثار و نگاشته های علمی

دوران تحصیل

دوران تحصیل

وی تحصیلات ابتدایی و دوران اول متوسطه را در نهاوند گذراند و چون در آن زمان در نهاوند مدرسه ای برای مقاطع بالاتر نبود، از پدرش می خواهد که برای ادامه تحصیلات به دیگر شهرستان ها برود، ولی پدرش به او پیشنهاد می کند که برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم برود تا علوم دینی فرا گیرد. شهید قدوسی ابتدا تمایل چندانی به فراگیری علوم دینی نشان نداد. از این رو، در ادامه تحصیلش توقف کوتاه و چند ماهه ای پدید آمد که همین توقف، مسیر زندگی پر ثمر و ارزنده شهید قدوسی را ترسیم کرد.(۱)

توفیق الهی

توفیق الهی

در نزدیکی منزل آخوند ملا احمد، پدر شهید قدوسی، مسجدی بود که نماز جماعت به امامت ملا احمد در آن، بر پا می شد. سخنرانان و روحانیانی که از قم یا شهرهای دیگر برای تبلیغ به نهاوند می آمدند، در این مسجد سخنرانی می کردند.

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۷۱۰۰، ۱۳/۶/۱۳۶۲، ص ۷.

یک روز، روحانی مبارزی به نام شیخ خطیب که سال ها در زندان رضاخان شکنجه شده بود، به نهاوند آمد. وی که شناخت چندانی نسبت به خانواده آیت اللّه قدوسی نداشت، پس از اقامه نماز به منبر رفت و در میان صحبت های خود گفت:

«دیشب خواب دیدم فرزند کوچک آقا (ملا احمد) مورد لطف حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله‌وسلم قرار گرفته و حضرت با دست مبارک خود بر سر او عمامه گذاشته است. من این فرزند را نمی شناسم. اگر او در مسجد است، به من نشان دهید، حاضران شهید قدوسی را به او معرفی می کنند و او پس از پایین آمدن از منبر با شهید قدوسی گفت و گو می کند و به او می گوید: «بکوش که مقامی عالی در انتظار توست».

از آن شب، عشق خفته در درون شهید قدوسی شعله ورتر شد و بی صبرانه از پدر خواست مقدمات ادامه تحصیل او را در قم فراهم کند. پس از آن با تصمیمی استوار و اراده ای خلل ناپذیر، قدم در این مسیر گذاشت.

هجرت به حوزه علمیه قم

هجرت به حوزه علمیه قم

آیت الله قدوسی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی، در حالی که یازدهمین بهار زندگی خود را پشت سر گذاشت، خانواده و دیار خود را ترک و برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت کرد. مرحوم آیت اللّه صدر که در آن زمان یکی از ارکان حوزه علمیه قم به شمار می رفت و دیگر دوستان دیرینه آخوند ملا احمد، با شوق از او استقبال کردند و از وی خواستند که لباس روحانیت به تن کند. پس از مدتی او در یکی از حجره های مدرسه فیضیه، ساکن شد.

بـدین سان دوران تازه ای از زنـدگی او آغاز شد. دورانی متفاوت با گذشـته که با سـختی های فراوانی همراه بود. حجره برای شهید قدوسی و کسانی که در آن زندگی می کردند بسیار کوچک بود. ایشان در این باره می گوید:

بعـد از آمـدن به قم مشـقت های زیادی را تحمّل کردم؛ در حالی که در سن کم در غربت به من سـخت می گذشت، به علت نبودن جا در حجره ای کوچک، همراه با چنـدین نفر دیگر زندگی می کردم و مدّتی در یک اتاق کوچک که مقداری از آن فرش شده بود و مقداری از آنجایی بود که آب شست و شوی ظروف و وضو در آن می ریختند. و من چون از همه افرادی که در آن اتـاق بودنـد کوچـک تر و تـازه کـارتر بودم در پایین اتاق می خوابیـدم و همیشه لحاف و تشکم داخل آب می رفت و خیس می شـد. با همه این ها با رنـج و مشـقّت تمام، درس را ادامه دادم و از خواب و غذای خود می زدم تا بتوانم بیشتر درس بخوانم، بسـیاری از شب هـا آن قـدر مطالعه می کردم که دیگر توان آماده کردن غـذا نداشـتم و همان گونه می خوابیـدم؛ جز دوران کمی در سـال، تمـام آن را به درس و مبـاحثه می گذرانـدم و حتی در ایّـام مـاه محرم غیر از روزهای تاسوعا و عاشورا، تمام وقت خود را صرف درس می کردم.(۱)

استادان

استادان

الف) آیت الله العظمی بروجردی

شهیـد قدوسـی مراحـل مقـدماتی تحصـیل در حوزه علمیه را نزد اسـتادان بزرگی همچون شـهید محراب آیت اللّه صـدوقی، با جدّیت و کوشش فراوان پشت سر

۱- سـید حسن مطلبی، گوهر وقت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، صص ۱۷۹ و ۱۸۰ روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۶/۶۵، ش ۲۱۰۷، ص ۹.

گذاشت(۱) و تحصیلات عالی خود را نزد استادان بزرگ حوزه علمیه قم گذراند و از وجود مرحوم آیت الله بروجردی بهره مند شد. مرحوم آیت الله بروجردی از گذشته با پدر شهید قدوسی آشنا بود. به سبب همین آشنایی و به دلیل استعدادی که در شهید قدوسی می دید، توجه ویژه ای به وی داشت؛ به گونه ای که گاهی در بعضی مسائل تربیتی وی دخالت می کرد. شهید قدوسی نیز به عنوان طلبه ای عالم می کوشید تا هر چه بیشتر علم بیاموزد و به کمال معنوی دست یابد. وی افزون بر مسائل درسی به مسائل روحی و تقوا و تعبّد استاد نیز بسیار توجه می کرد و پیوسته می کوشید تا ضعف های اخلاقی خود را برطرف و به سوی کمال حرکت کند.(۲)

ب) حضرت امام خمینی رحمه الله

یکی از ویژگی های آیت اللّه قدوسی این بود که هر جا استادی می دید، با او هم نشین می شد و از دانش وی بهره می برد. حضور در درس فقه و اصول امام خمینی رحمه الله، فرصت تازه ای برای رشد علمی و عملی وی فراهم ساخت. امام خمینی(۳) در ابتدا به احترام آیت اللّه بروجردی دروس عالی را تدریس نمی کرد، ولی با پافشاری شاگردان پذیرفت. با این حال، زمان تدریس خود را ساعتی پیش از تدریس آیت اللّه بروجردی قرار داده بود و پس از پایان درس، همراه با

۱- شهید قدوسی، پارسای پرتلاش، ص ۲۸.

۲- شهید قدوسی، پارسای پرتلاش، ص ۳۱.

۳- شاید شهید قدوسی در سال های ۱۳۲۷/ ۲۸ در خدمت امام مشغول تحصیل بود. عدالت در خون، ص ۱۲۹.

شاگردان خود در درس آیت اللّه بروجردی حاضر می شد. شهید قدوسی نیز در هر دو درس شرکت می کرد و از آن ها بهره می برد. افزون بر مسائل درسی، جنبه های معنوی و تقوا و زهد و اخلاص امام خمینی به شدّت مورد توجه شهید قدوسی قرار گرفت. وی امام خمینی را شخصیتی به دور از هوا و هوس و مسائل دنیایی یافت؛ شخصیتی که هنگام انجام وظیفه تنها به خداوند توجه دارد و کوچک ترین لغزشی از او سر نمی زند. جنبه های روحی و معنوی امام خمینی تأثیری شگرف در روح شهید قدوسی بر جای گذاشت؛ به گونه ای که پیوسته از این اثر پذیری ها که از شخصیت امام دیده بود، با احترام و بزرگی یاد می کرد. روح مشتاق شهید قدوسی آن چه را که سال ها در پی آن بود، در شخصیت امام یافت.

ج) علامه سید محمد حسین طباطبایی

شهید قدوسی از آغاز دوران طلبگی، علاقه و ارتباط ویژه ای با صاحبان اخلاق الهی و عارفان داشت و پیوسته در پی یافتن اهل سر بود تا بلکه نشانی بیشتر از نهان خانه یار بیابد. بعدها در نوشته ها و دروس اخلاقی خود از این افراد یاد می کند.(۱)

علامه طباطبایی که در حوزه شخصیتی کم نظیر بود، افزون بر تسلط بر فقه و اصول، در علوم فلسفی و تفسیر نیز اندیشه ای پویا داشت. شهید قدوسی نخست برخی از دروس هیئت و فلسفه را نزد ایشان فرا گرفت و این مقدمه ای شد برای

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۵.

ارتباطی دراز مدت که خود گنجینه ای از علوم و کمالات اخلاقی را برای آن شهید به ارمغان آورد.

شهید قدوسی به همراه تعدادی از بزرگان، از جمله مرحوم شهید مطهری، شهید بهشتی و امام موسی صدر و گروهی دیگر، در جلسات درس اصول فلسفه و روش رئالیسم استاد علامه طباطبایی حاضر می شد. در این درس ها علامه طباطبایی به تقاضای بعضی از شاگردان خود، شبهات و مسائل جدید فلسفی را پاسخ می داد و مشکلات آنان را حل می کرد. نتیجه این جلسات، پنج جلد کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از سرمایه های بزرگ فکری و فلسفی ما به شمار می رود.(۱)

استفاده از محضر علامه طباطبایی تنها به مباحث فلسفی محدود نمی شد. بحث ها و جلسه های گوناگونی در زمینه تفسیر، حدیث، شرح موضوع های اخلاقی و عرفانی وجود داشت که در آن، علامه طباطبایی روح مشتاق و تشنه شاگردان خود را سیراب می کرد. شهید قدوسی در جنبه های گوناگون علمی، سال ها نزد ایشان آموزش دید و در زمینه اخلاق و عرفان، افزون بر مطالب علمی و عرفان و اخلاق نظری، از راهنمایی های عملی ایشان استفاده می کرد. او همچون بیماری که نزد طبیب به مداوا می پردازد، دستورهای علامه را برای آلایش روح و روان خویش به کار گرفت.

در این میان، شهید قدوسی با مکتب عرفانی علامه آشنا شد و در این زمینه از ایشان بهره های بسیار برد. علامه که خود انسانی عارف و وارسته بود و در

۱- شهید قدوسی پارسای پرتلاش، ص ۳۶.

عرفـان نظری و عملی مقـامی بالاـ داشت، سـال ها در نجف بهترین شاگرد مرحوم آیت اللّه حاج سـید علی قاضـی رحمه الله به شمار می رفت. مرحوم قاضی، عارف بزرگی بود که در عرفان عملی روش ویژه ای داشت و شاگردان بسیاری را در این زمینه تربیت کرد. این جلسه هـا فرصتی ارزشـمند برای شـهید قدوسـی فراهم سـاخت تا با نزدیک ترین فاصـله ممکن، با این روش و بزرگان آن آشنا شود.

شهیـد قدوسـی که خود مظهری از اخلاـص و خداشناسـی بود، در علامه طباطبایی و آن چه که وی از اسـتادش مرحوم قاضـی حالاـت عرفـانی و فضایـل اخلاقی او نقل می کرد، گم شـده ای می یافت که در جای دیگر یافت نمی شـد. این ارتباط معنوی سال ها ادامه پیدا کرد تا سر انجام در سال ۱۳۳۴ ه . ش شهید قدوسی داماد آن بزرگوار شد.(۱)

اجازه اجتهاد

اجازه اجتهاد

شهید قدوسی در سال ۱۳۴۱ ه . ش از محضر آیت اللّه بروجردی و امـام خمینی رحمه الله درجه اجتهـاد دریـافت کرد و فقه و فقاهت را فرا روی دیـدگان طالبان علوم الهی نهاد. از آن سال به بعـد، همراه دیگر روحانیان متعهد حوزه، مبارزه علیه اسـتبداد را آغاز کرد.(۲)

۱- شهید قدوسی، پارسای پرتلاش، صص ۳۵ - ۳۹.

۲- عدالت در خون، ص ۲۴، روزنامه کیهان، ۱۳/ ۶/ ۷۳، ش ۱۵۱۴۸، ص ۶، و پیام انقلاب، سپاه پاسداران تهران، ش ۶۶، ص ۸.

آثار و نگاشته های علمی

آثار و نگاشته های علمی

آثار به یادگار مانده از آن عالم وارسته عبارتند از:

۱. تقریرهای فقه آیت اللّه العظمی بروجردی، از لباس نمازگزار تا بحث نماز جماعت، در ۵۳۳ صفحه؛

۲. رساله های مختصری در باب خمس، منجزات مریض، وصیّت، طهارت و مقداری درس حج آیت اللّه بروجردی، در ۱۳۲ صفحه؛

۳. تقریرهای بحث امام خمینی رحمه الله، در مباحث الفاظ، در ۲۸۳ صفحه؛

۴. تقریرهای بحث امام خمینی رحمه الله، در اصول عملیه، در ۵۱۷ صفحه؛

۵. تقریرهای بحث امام خمینی رحمه الله، در مکاسب محرمه و بیع، در ۶۳۹ صفحه؛

۶. مقاله هایی در مجله مکتب اسلام؛

۷. مقاله هایی در مجله معارف جعفری.(۱)

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۲، صص ۲۲۹ - ۲۳۰.

فصل سوم: فعالیت های سیاسی

اشاره

فصل سوم: فعالیت های سیاسی

فعالیت های سیاسی و اجتماعی، بخش مهمی از زندگی استاد شهید قدوسی را تشکیل می داد؛ این گونه فعالیت ها در زندگی همه شخصیت های مکتبی و روحانی دیده می شود؛ زیرا از دید توحیدی اسلام، سیاست ما عین عبادت ماست و آن دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند. در عین حال ما برآنیم تا در زندگی پر تلاش این بزرگواران، از حرکت ها و فعالیت های اجتماعی، سیاسی، به معنای ویژه آن سخن بگوییم.

شهید بزرگوار آیت اللّه قدوسی، همواره در میدان مبارزه های سیاسی حاضر بود و از هیچ کوششی در این میدان فروگذار نمی کرد. هوش و ذکاوت بسیار بالای وی سبب شده بود که آن شهید در فعالیت های سیاسی بینش ویژه ای داشته باشد.

به طور کلی، زندگی سیاسی شهید قدوسی را با توجه به زمان و شرایط می توان به سه دوره مشخص تقسیم کرد:

الف) سال های ۳۰ و ۳۱ تا ۴۱ و ۴۲

اشاره

الف) سال های ۳۰ و ۳۱ تا ۴۱ و ۴۲

زیر فصل ها

۱. مبارزه با حزب توده

۲. همکاری با شهید نواب صفوی و آیت اللّه کاشانی

۳. مخالفت شدید با جدایی دین از سیاست

۴. تشکیل جامعه مدرسین

۱. مبارزه با حزب توده

۱. مبارزه با حزب توده

شهید قدوسی از روحانیانی بود که سهم بسیاری در روند نهضت امام خمینی رحمه الله داشت. پیش از آن و هنگامی که هنوز

دوره مقدماتی را می گذراند، حوادث سیاسی و اجتماعی را پی گیری می کرد. پس از فرار رضاخان، گروه های

کمونیستی که سال ها طعم سرکوب وی را چشیده بودند، مانند فنری که پس از فشار دادن ناگهان آزاد شده باشد، به فعالیت های سیاسی و ضد دینی پرداختند. در این میان، حزب توده با تکیه بر پول و حمایت شوروی از فضای باز سیاسی و نبود حاکمیت قدرتمند، بیشترین استفاده را کرد و توانست با توجه به ضعف مذهبی گروه های مردمی، شمار فراوانی را به سوی خود جذب کند و سازمان و تشکیلات وسیعی در سطح کشور به راه اندازد.

حزب توده و رهبران آن، چنان به پیروزی و قدرت خود یقین داشتند که مبارزه اساسی خود را با همه مخالفان، از جمله روحانیان آغاز کردند. آنان تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه . ش که حزب توده فرو پاشید، کار خود را ادامه دادند.

این دوران، با نخستین دهه ورود شهید قدوسی به قم هم زمان بود. وی در مبارزه علیه حزب توده در قم و نهاوند نقش بسیاری داشت. وی در نهاوند تنها کسی بود که در برابر حزب توده و نیروهای آن مقاومت کرد.

نیروهای حزب توده در نهاوند، بیشتر از افرادی تشکیل شده بودند که نه تنها از فلسفه مارکسیسم و مکتب های الحادی، بلکه از مسائل ساده سیاسی روز اطلاع کاملی نداشتند و تنها انگیزه آنان طرفداری از حزب توده بود.

با وجود خطرهای فراوان مبارزه با حزب توده در شهر نهاوند، شهید قدوسی به شدت در مقابل آنان مقاومت کرد. تا آنجا که باعث عقب نشینی طرفداران حزب توده شد و سرانجام آنان دست از مخالفت خود برداشتند.(۱)

۱- شهید قدوسی، پارسای پرتلاش، صص ۲۹ _ ۳۱.

۲. همکاری با شهید نواب صفوی و آیت اللّه کاشانی

۲. همکاری با شهید نواب صفوی و آیت اللّه کاشانی

با نزدیک شدن به دوران قیام اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله، شهید قدوسی یکی از پایه های حوزه علمیه قم به شمار می رفت و در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز با تجربه هایی که در مبارزات سیاسی در دوره های گوناگون به دست آورده بود، دیدگاه های سنجیده ای داشت و در نهضت فدائیان اسلام نیز با شهید نواب صفوی همکاری و هم فکری می کرد.(۱)

همچنین در نهضت ملی ایران به رهبری آیت اللّه کاشانی، نقش فعالی به عهده گرفت.(۲)

۳. مخالفت شدید با جدایی دین از سیاست

۳. مخالفت شدید با جدایی دین از سیاست

بافت قدیمی حوزه های علمیه به گونه ای بود که هیچ گونه حرکت سیاسی را نمی پذیرفت. این مخالفت با کار سیاسی را بیش از همه باید به سبب شکست هایی دانست که از نهضت مشروطیت به این سو نصیب روحانیت شده بود. باید گفت حوزه های علمیه به دلیل بی بهره بودن از قدرت سیاسی، توان رویارویی با حاکمان طاغوتی را نداشتند.

با بر افروخته شدن نخستین جرقه مشروطیت، بسیاری از روحانیان طراز اول ایران و عراق وارد میدان سیاست و مبارزه شدند، ولی پس از سال ها رنج و تلاش، نه تنها نتیجه مثبت به دست نیامد، بلکه حوادثی رخ داد که سبب آزردگی

۱- روزنامه رسالت، ش ۷۶۹، ۱۴/۶ /۶۷، ص ۳.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۸.

قشرهای مذهبی گردید. در دوران سلطنت پهلوی نیز روحانیان بزرگی چون شهید مدرس در راه اهداف بر حقّ اسلامی مبارزه کردند، ولی هیچ کدام نتوانستند به اهداف خود برسند. همین امر سبب شد که حوزه ها دخالت در مسائل سیاسی را کاری نادرست بپندارند و از آن دوری کنند.

در چنین اوضاعی، شهید قدوسی و دیگر دوستان که درس های عالی را نزد امام خمینی رحمه الله فرا گرفته بودند و با بینش وی آشنایی داشتند، خیلی زود دریافتند که مبارزه با رژیم پلید پهلوی که از سوی قدرت های جهانی تقویت می شود، نیاز به اقدامات و امکانات تازه ای دارد تا حوزه های علمیه را به این مبارزه مهم آماده سازد. آنان به دلیل این که این مسئله را وظیفه اسلامی و دینی خود می دانستند، با وجود مشکلات زیاد هرگز در این کار سست نشدند.

شهید قدوسی در این ارتباط با اندیشمندان غیر روحانی نیز ارتباط داشت. وی در این تماس ها، توانست افزون بر آشنا شدن با اندیشه های آنان و شناخت محیط فرهنگی جامعه، پیام و اندیشه روحانیت و اسلام حقیقی را بیان و اندیشه های انحرافی و نادرست برخی از این متفکران را اصلاح کند.(۱)

۴. تشکیل جامعه مدرسین

۴. تشکیل جامعه مدرسین

عده ای از روحانیان به این نتیجه رسیده بودند که یکی از مشکلات حوزه علمیه، نبود تشکل و نظام مشخص برای رویارویی با رژیم است. شهید قدوسی از همان آغاز برای متشکل کردن حوزه علمیه و سازمان دهی یک حرکت عمیق و درازمدت، بسیار تلاش کرد. او کوشید تا نیروی بزرگ روحانیت در حوزه های

۱- شهید قدوسی، پارسای پرتلاش، صص ۴۴ _ ۴۸.

علمیه بتوانـد در جهت اهـداف خود حرکت کنـد. نقطه آغاز این حرکت با هـدف تهیه طرح مشخصـی برای تنظیم امور حوزه های علمیه آغاز شد. در سال ۱۳۳۷ شمسـی در زمان آیت اللّه بروجردی روزی به نام هیئت مدرسین نامیده شد و این نخستین سنگ بنای همان تشکّلی است که امروزه با نام جامعه مدرسین شناخته می شود و در جریان انقلاب یکی از بزرگ ترین نقش ها را در پیشبرد اهداف امام امت و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد.

بایـد گفت این حرکت در آن زمان، موفقیت چنـدانی به دست نیاورد، ولی بعدها هنگامی که در سال ۱۳۴۱ ه . ش امام امت، نهضت مقدس اسلامی خود را آغاز کرد، زمینه این حرکت به شکل کامل تری فراهم شد.

ب) سال های ۴۱ و ۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران

اشاره

ب) سال های ۴۱ و ۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران

زیر فصل ها

۱. بازو و پشتیبان حضرت امام خمینی رحمه الله

۱. بازو و پشتیبان حضرت امام خمینی رحمه الله

شهید بزرگوار آیت اللّه قدوسـی به عنوان یکی از شاگردان برجسـته امام امت، در صف پیشـتازان نهضت مقدس اسلامی و در شمـار آن گروه از اسـتادان حوزه علمیه بود که فریاد دشـمن شکن امام امت را با تمام وجود لبیک گفتنـد. این افراد، نخستین گروه متشـکل و معتقـد به سازمانـدهی حوزه به شـمار می آمدنـد که از دل و جـان با رهبری امام به مبارزه جـدّی و پی گیر با رژیم پرداختنـد. مبارزه با دولت علم و طرح ضـدّ اسـلامی انجمن های ایالتی و ولایتی، آغاز این راه بود. آنان مبارزه خود را با افشای جنایت های شاه و مقابله با طرح خیانتکارانه انقلاب سـفید و سلطه اسرائیل و امریکا ادامه دادند که به حمله دژخیمان به مدرسه فیضیه، تعطیل حوزه های درسی، دستگیری امام و زندانی کردن ایشان، قیام

خونین ۱۵ خرداد و عاشورای ۴۲ انجامید.(۱)

در این دوران، شهید قدوسی و روحانیت مبارز با افشاگری های پی در پی روشنگری های مؤثر در روند پیروزی انقلاب، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. مبارزه آنان به شکل های گوناگون انجام می گرفت.فعالیت هایی همچون چاپ و انتشار نشریه ها و اعلامیه ها و رساندن آنها به افراد مؤثر و ارتباط با شخصیت ها و تبلیغ انقلاب از جمله اشکال مبارزاتی آنان به شمار می رفت. چنان که به گفته حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، نخستین همکاری همه جانبه و جدی آنان با یکدیگر، در انتشار یکی از نشریات مخفی حوزه، در زمان بازداشت امام در قیطریه بوده است.(۲)

شهید قدوسی برای تکثیر سخنرانی های حضرت امام رحمه الله و جامعه مدرسان حوزه، از دستگاه چاپی که در اختیار ایشان بود استفاده می کرد و همه امکانات را در راه مبارزه آماده می کردند. ایشان بارها به سبب تکثیر سخنرانی های امام دستگیر شدند و دستگاه ها از سوی سازمان امنیت قم جمع آوری شد، ولی باز هم خللی در مبارزه های ایشان به وجود نیامد.

در سال ۱۳۴۳ ه . ش در پی دستگیری علما و روحانیان مبارز خط امام، مأموران ساواک وی را نیز به زندان بردند. وی بلافاصله پس از رهایی از زندان، عازم نهاوند شد و به خواست مردم این شهر، اقامه نماز در مسجد جامع شهر را

۱- پارسای پرتلاش، صص ۴۹ و ۵۰، اطلاعات ۱۴/ ۶ / ۱۳۷۴، ش ۲۰۵۶۸، ص ۶.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۹، جمهوری اسلامی، ۱۴/۶/۶۳، ش ۱۵۲۶، ص ۹.

پـذیرفت. ایشان هر شب پس از نماز به منبر می رفت و خالصانه و صادقانه از امام یاد می کرد. طبیعی بود که، مأموران ساواک از این حرکت به خشم آیند؛ به ویژه آن که در آن روزگار سیاه و تلخ، کم تر کسی را یارای چنین رشادتی بود. ساواک رسماً از شـهید قدوسـی خواست که دست از تبلیغ و سـخن گفتن درباره امام بردارد، ولی شهید قدوسی به خواست آنان تن در نداد. پافشاری شـهید قدوسی سبب شد تا ساواک جلسه های ایشان را تعطیل و ادامه فعالیت ها را ممنوع اعلام کند. ایشان نیز مبارزه را در زمینه های دیگر و با توان بیشتر ادامه داد.(۱)

۲. تشدید مبارزه

۲. تشدید مبارزه

در پی لایحه کاپیتولاسیون و سخنرانی کوبنده امام در چهارم آبان ۱۳۴۳ و دستگیری و تبعید ایشان به ترکیه، جامعه مدرسین با اعتراض شدیـد نسبت به تبعیـد امـام و اعتراض به دولت ترکیه از طریق سـفارت ترکیه در تهران و انتشار اعلامیه ها و نشـریات پنهانی، حرکت خود را در خط مبارزه که به وسـیله امام ترسـیم شـده بود، ادامه داد. در این هنگام اختناق و وحشت عمومی به اوج خود رسید و فشار شدید حکومت حتی حوزه های علمیه را به سکوت وا داشته بود. این موضوعی بود که شاگردان عاشق امام را به شدت نگران می کرد. توجه به این واقعیت ها و دشواری فعالیّت آشـکار علیه رژیم، جمعی از دوستداران و شاگردان دلسوخته امام از جمله شهید قدوسی را بر آن داشت که متناسب با

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳/۶/۶۲، ش ۱۷۱۰۰، ص ۷. و عدالت در خون، ص ۹۶.

وضع پر اختناق، کیفیت مبارزه را تغییر دهند. همین اندیشه سبب شد تا رفته رفته گروهی سازمان یافته و پنهانی از مدرسین و اساتید حوزه علمیه، به منظور تداوم مبارزه تشکیل شود.(۱) این همان تشکلی است که در مقدمه اساسنامه فعلی جامعه مدرسین از آن یاد شده است. در این تشکل، شهید قدوسی افزون بر انجام امور کلی و مسائل اساسی، بخش ویژه ای را که مربوط به راه اندازی شبکه ای سرّی برای به دست آوردن اطلاعات از سرتاسر کشور بود، به عهده گرفت. هدف این بخش، به دست آوردن تحلیل و نگرش درست از وضعیت کلی کشور بود. باید گفت این تشکیلات هم مدت زیادی ادامه نیافت و در فروردین سال ۱۳۴۵ اساسنامه آن در بازرسی محل کار یکی از اعضا به دست ساواک افتاد و در بازجویی از ایشان، این تشکیلات کشف شد و ساواک در پی دستگیری اعضای این گروه بر آمد.

دژخیمان ساواک، با وجود فشارهای بسیار و شکنجه های روانی و جسمانی، نتوانستند از شهید قدوسی اعتراف بگیرند و پس از بازجویی های پی در پی، وی با زیرکی ساواک را فریب داد. ساواک پذیرفت که این تشکیلات هدفی غیر از تنظیم امور تحصیلی طلاب و تدوین کتب درسی نداشته است.(۲)

شهید قدوسی در این زمینه می گوید: «با آن همه فشار و سختی ها، این ها

۱- همانطور که پیش تر گفته شد این طرح در سال ۱۳۳۷ ه . ش در زمان آیت الله بروجردی پی ریزی شده بود که موفقیت کاملی به دست نیاورد.

۲- پارسای پرتلاش، صص ۵۱ _ ۵۳.

نتوانستند حتی یک جمله از من بگیرند».(۱)

۳. همکاری با کمیته استقبال حضرت امام خمینی

۳. همکاری با کمیته استقبال حضرت امام خمینی

بهمن سال ۵۷ که همه مردم در انتظار ورود امام رحمه الله به سر می بردند، کمیته استقبال از امام در تهران، به شهید قدوسی مأموریت می دهد که گروهی از روحانیان را برای اداره مراسم استقبال برگزینند. ایشان نیز از راه مصاحبه با افراد، گروهی را برای این کار آماده کرد.

ج) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اشاره

ج) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقّق وعده الهی، شهید قدوسی به عنوان یکی از استوانه های نهضت امام خمینی رحمه الله در پی رفع موانع انقلاب، سر از پا نمی شناسد و در این راستا حکم هایی نیز از رهبر کبیر انقلاب اسلامی دریافت می کند.

۱. مقام قضاوت شرعیه در دادگاه های انقلاب اسلامی

۱. مقام قضاوت شرعیه در دادگاه های انقلاب اسلامی

پس از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال های نخست سال ۱۳۵۸ دادگاه های انقلاب در سراسر کشور وضع نابسامانی داشتند. در طول این مدّت، نبود یک مرکز قوی برای اداره آن، دشواری های فراوانی ایجاد کرده بود. شهید بهشتی و دیگر مسئولان کشور به فکر چاره افتادند. نخستین گام برای رفع این مشکل یافتن فردی مدیر، دلسوز و قدرتمند بود. شهید قدوسی کسی بود که می توانست این مهم را بر دوش گیرد. بنابراین، به درخواست مسئولان و تأیید

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۶/۶۳، ش ۱۵۲۶، ص ۹.

امام طی حکمی شهید قدوسی از سوی امام خمینی به سمت مقام قضاوت شرعیه در دادگاه های انقلاب اسلامی منصوب شد.

۲. سرپرستی ستاد انقلاب اسلامی

۲. سرپرستی ستاد انقلاب اسلامی

آیت الله احمدی میانجی در این باره گوید:

در اوایل پیروزی انقلاب، در ستاد انقلاب قم، وقتی قرار شد که ایشان سرپرستی آن را به عهده بگیرند، در جلسه رفقا گفته شد که اگر ایشان سرپرستی آن را به عهده بگیرند، منظمش خواهند کرد و همین طور هم شد؛ منتهی طولی نکشید که از طرف حضرت امام به دادستانی کل منصوب شدند.(۱)

از کارهایی که شهید قدوسی در ستاد انقلاب انجام داد، نظارت بر کلیه کارهای انقلاب در شهر مقدس قم بود. با این حال، ایشان به شکل منظم در فعالیت های مربوط به جامعه مدرسین شرکت می کرد.(۲)

۳. دادستان کل انقلاب

۳. دادستان کل انقلاب

در ماه های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی در بیشتر شهرستان ها دادگاه های انقلاب محل اصلی رسیدگی به مشکلات مردم بودند این دادگاه ها، هیچ گونه قانون مشخصی نداشتند. رئیس دادگاه مجاز بود به تشخیص خود عمل کند. بعضی از مسئولان آن نیز از سوی هیچ مقامی برگزیده نشده بودند و تنها به دلیل شهرت یا روحانی بودن در آن منطقه، اقدام به تشکیل دادگاه انقلاب می کردند.

دادستانی کل انقلاب هم وضعیتی بهتر از این نداشت. تا آن زمان هیچ یک از مسئولان انقلاب قدمی برای اصلاح آن بر نداشته بودند، بلکه برخی افراد فاسد

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۵۰.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۵۰.

و ضـد انقلاب، حتی عوامـل گروهـک ها در آن نفوذ کرده و به سود منافع شخصـی و گروهی خود، به هر اقـدامی دست می زدنـد. از این رو، امـام خمینی رحمه الله در تاریـخ ۲۷/۵/۱۳۵۸ طی حکمی شـهید قدوسـی را به ریاست دادسـتانی کل انقلاب بر گزید.

شهید قدوسی نخست کوشید با به کارگیری توان خود این نهاد ارزشمند را اصلاح کند.(۱)

به دلیل نارسایی های فراوان، یکی از کارهای ایشان از همان آغاز، اسـتفاده از نیروهای صالح به جای افراد ناصالح در منصـب های کلیدی و مهم بود که با قاطعیت تمام صورت گرفت.(۲)

شهیـد قدوسـی بر این باور بود که نظام قضایی کشور به دگرگونی های اساسـی نیاز دارد. وی عقیده داشت که به جای اتلاف وقت و از بین بردن توان نیروها بایـد نظام قضایی جدیـدی به جای دادگستری شاهنشاهی بنیان گذاشت و افراد و قضات خوب و کار آمد دادگستری را به آن منتقل کرد.

شهید قدوسـی عملکرد مسـئولان و کارکنان دادسـتانی ها و داد سراهای انقلاب، در سرتاسر کشور را به شدت زیر نظر داشت. ایشـان برای اطمینـان از رعـایت ضوابـط شـرعی و مصـلحت انقلاـب، گاهی جزیی ترین مسائل را زیر نظر می گرفت. در زمان عهده داری این مسئولیت سنگین می گفت:

۱- مجله عروه الوثقی، ش ۸۲، ص ۱۶، روزنامه رسالت، ۱۵/۶/۶۸، ص ۴.

۲- یادنامه شهید قدوسی، صص ۹۷ و ۹۸.

«اگر فرمـان امـام نبود و انتخـاب بـا من بود، بازگشت به قم و تلاش برای سامان بخشـیدن حوزه و طلاب جوان را بر مسـئولیت فعلی ترجیح می دادم».(۱)

۴. برخورد با مخالفان انقلاب اسلامی

۴. برخورد با مخالفان انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی که دست آورد پایداری شـجاعانه مردم به رهبری امام رحمه اللهو شـهادت هزاران شهید گران قـدر بود، اسـتکبار جهـانی و فرصت طلبـان و گروه هـای وابسـته و قـدرت طلب، شـرایط را برای به دست گرفتن قـدرت آماده دیدنـد و تلاش گسترده خود را برای درهم شکسـتن انقلاب آغاز کردنـد. دشـمنان برای رسـیدن به مقصود خود، ترفنـدهای گوناگونی را به کار می بردند. شهید قدوسی در سمینار قضات می گوید:

مسـئله این ضـد انقلاب ها از اول مشـخص بوده که چه کسـی هسـتند و چه می خواهنـد بکننـد. این ها کسانی هسـتند که می خواهنـد کشور را به افراد خـاص خود بدهنـد و این ها معتقدنـد می توان ایران را خیلی راحت همچون لبنان کرد. پس برادران بدانید که... اکنون پشتوانه قوی، مردم هستند.(۲)

یک ــ مجاهدین خلق

زمانی که مجاهدین خلق حرکت های مخالفت آمیز خود را با صدور اعلامیه ها آغاز کردند، شهید قدوسی معتقد بود که باید از همـان آغـاز همه فعـالیت های آنان را کنترل کرد تا آنان نتواننـد با اسـتفاده از جوّ دموکرات مآبانه موجود، به فریب عناصر جوان و فعال بپردازند. آنان بر آن بودند تا با پخش شایعات بی اساس

۱- کیهان، ش ۱۵۷، ۱۳/۶/۷۵، ص ۶.

۲- عدالت در خون، ص ۶۵، و شهید قدوسی پارسای پر تلاش، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

نسبت به انقلاب و شخصیت های مذهبی، جامعه را پر آشوب کنند. آنان هر از گاهی با تجمع در مکان های حساس شهر، آرامش مردم را از بین می بردند.

شهید قدوسی بر این باور بود که هرگز نمی توان به عناصر مجاهدین خلق و دیگر گروهک های التقاطی و الحادی اطمینان کرد؛ زیرا با توجه به ساختار فکری آنان، این گروهک ها دیر یا زود ضدّیت خود را به نظام جمهوری اسلامی نشان خواهند داد. بنابراین، در اواسط سال ۵۹ به دلیل ارتباط با یکی از پرونده های عناصر مجاهدین خلق تصمیم گرفته شد تعدادی از کادرهای رهبری مجاهدین خلق دستگیر شوند. شهید قدوسی اصرار داشت این کار با سرعت و قاطعیت انجام شود تا عناصر کلیدی مجاهدین دستگیر شوند، ولی در آن زمان، مسئله در مسیر دیگری قرار گرفت و این تصمیم عملی نشد.

هنگامی که همگان دریافتند مبارزه با گروهک های مخالف انقلاب نیازمند اقدامی جدی است، جلسه ای از سوی نخست وزیری تشکیل و جنبه های گوناگون مسئله و چگونگی برخورد با آنان بررسی شد، صدور اطلاعیه بسیار مهم ده ماده ای دادستان کل انقلاب دست آورد این جلسه بود. پس از صدور آن اطلاعیه، شهید قدوسی، به طور جدّی و سازمان یافته به برنامه ریزی برای مقابله با گروهک های ضدّ انقلاب پرداخت و با تقسیم مسئولیت ها، ستاد پی گیری اطلاعیه دادستانی کل انقلاب به وجود آمد.

تشکیل ستاد پیگیری اطلاعیه دادستانی کل انقلاب

پس از تشکیل ستاد پی گیری و هماهنگی کامل میان نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی، شهید قدوسی با همکاری سپاه پاسداران و دولت تصمیم گرفت سمیناری توجیهی برای مسئولان دادگاه های انقلاب و مسئولان اطلاعات سپاه و

معاونان سیاسی، اداری و استانداری ها در سطح کل کشور برگزار کند تا با تنظیم موضوع ها و بیان حکم شرعی آن ها که در آن شرایط بسیار قابل توجّه بود، زمینه هـای ایجـاد وحـدت قضـایی را در ارتباط با مسائل گروهک های ضـد انقلاب، فراهم آورد.(۱)

پس از خرداد ۱۳۶۰ و اعلام جنگ مسلحانه، حرکت دادستانی کل انقلاب در سطح گسترده بر ضد گروهک ها ادامه یافت و شهید قدوسی با دقت و پشتکار، گام های محکمی برای نابودی ضد انقلاب برداشت.

شهید قدوسی با وجود مخالفت های بسیار، با حرکتی حساب شده، بسیاری از سنگرهای کلیدی ضد انقلاب را از دست آنان گرفت. وی بـا اقـدامی قاطعـانه، ساختمان های دولتی را که در اختیار گروهک های منافق و فـدائیان خلق بود، از آنان باز پس گرفت.(۲)

دو ــ لیبرال ها و بنی صدر

شهید قدوسی با توجه به شناختی که از اسلام داشت، با هر گونه حرکتی که سر از التقاط در می آورد مخالف بود. به همین سبب، در اجرای احکـام و اقـدامات اساسی انقلابی هرگز به حرکت های سازش کارانه دولت موقّت توجهی نمی کرد. نمونه آن، ویران کردن مرکز فحشـا و فسـاد در میـدان گمرک تهران، رسیدگی به امور گمرکـات، مسئله طاغوت زدایی در ادارات دولتی و موارد مشابه

۱- یادنامه شهید قدوسی، صص ۱۲۰-۱۲۱، و پارسای پرتلاش، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۲- پارسای پرتلاش، ص ۱۳۰.

بود که با وجود مخالفت های شدید دولت انقلاب، صورت گرفت.(۱)

پس از دولت موقت و روی کـار آمـدن شورای انقلاب، بنی صـدر، می کوشـید خود را به عنوان دلسوزترین و آگاه ترین فرد انقلابی معرّفی کنـد. وی با انتشار روزنامه «انقلاب اسـلامی»، بهترین شـعارها را مطرح کرد و توانست طرفداران زیادی را برای خود گرد آورد.

در این زمان بنی صدر، مخالفت هایی را با اقدامات دادسـتانی کل انقلاب آغاز کرد. شـهید قدوسی که در شناسایی خط نفاق سـابقه ای طولانـی داشت، در برابر فشارهـای او به شـدّت مقاومت می کرد. برای نمونه، بایـد به مسـئله اعـدام فرّخ روح پارسـا اشـاره کرد؛ او وزیر آموزش و پرورش رژیم شـاه بود که بنی صـدر بـا مطرح کردن مسـئله هم زمـانی بـا تولـد حضـرت فاطمه علیهاالسلام ، کوشید از اجرای حکم اعدام او جلوگیری کند، ولی شهید قدوسی قاطعانه حکم را اجرا کرد.(۲)

تحقق حجـاب اسـلامی در ادارات، دسـتگیری و اعـدام عـده ای از خان های خائن مناطق جنوبی کشور را نیز می توان از دیگر موارد بر خورد شـهید قدوسـی با بنی صدر بر شمرد که در این جریان ها، شهید قدوسی علی رغم مخالفت بنی صدر قاطعانه با مظاهر طاغوت برخورد می کرد.

سه ـ قطب زاده

از سال ۱۳۵۹ با قاطعیت دادستانی کل انقلاب و تلاش مسئولان جمهوری

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۲۴.

۲- پارسای پر تلاش، صص ۱۳۲ و ۱۳۳.

اسلامی و رهبری امام خمینی؛ سنگرهای کلیدی رفته رفته از دست مخالفان انقلاب خارج شد. از این رو، آنان که موقعیت خود را در خطر می دیدند، حملاتشان را آغاز کردند. روزنامه های گوناگون نیز با استفاده از فرصت و با تکیه بر شهرت بعضی از شخصیت های ملی گرا، هر روز مطالب جدیدی بر ضدّ مسئولان می نوشتند. روزنامه موسوم به انقلاب اسلامی که زیر نظر بنی صدر با بهترین شعارها کار خود را آغاز کرده بود، از هر وسیله تبلیغاتی علیه مسئولان دلسوز انقلاب استفاده می کرد.

قطب زاده و اسلامی، با استفاده از عوامل خود در رادیو و تلویزیون، مصاحبه هایی ترتیب می دادند که در آن بسیاری از مسایل مهم کشور را زیر سؤال می بردند و با جوّسازی ها و تبلیغات به سود منافع خود عمل می کردند. شهید قدوسی به عنوان دادستان کل انقلاب، بدون کمترین تردید و ترس دستور بازداشت آنان را صادر کرد.

گروه های گوناگونی مانند نهضت آزادی، منافقین و بنی صدر که دشمن سر سخت قطب زاده بودند، این بار به حمایت از او پرداختند. امام که به توطئه آنان در ایجاد هیجان های سیاسی پی بوده، دستور آزادی قطب زاده را می دهد و شهید قدوسی نیز بی درنگ این دستور را اجرا می کند.(۱)

۵. تدوین قوانین قضایی

۵. تدوین قوانین قضایی

۱- پارسای پر تلاش، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

یکی دیگر از حرکت های مشخص شهید قدوسی در نظام قضایی کشور، پافشاری بر تدوین قوانین قضایی اسلام بود که جلوه ای از آن در تدوین آیین نامه های اجرایی و قوانین دادگاه ها و دادسراهای انقلاب، نمودار شد.

هم چنین برای دادگاه ها و دادسراهای انقلاب که تا آن روز هیچ گونه ضابطه ای نداشتند، قوانین و مقررات ویژه ای تهیه کرد.

ایشان برای تصویب قوانین با آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس وقت و نمایندگان مجلس ارتباط داشت. و کمیسیون ویژه ای برای تصویب قوانین قضایی در مجلس شورای اسلامی تشکیل داد.(۱)

۶ . توقیف مطبوعات برانداز و مبتذل

۶ . توقیف مطبوعات برانداز و مبتذل

یکی دیگر از فعالیت های شهید قدوسی در حفظ ارزش های نظام، در حوزه مطبوعات صورت گرفت ایشان در اقدامی روزنامه آیندگان و برخی دیگر از نشریات را توقیف کرد. این نشریات از بدترین روش ها برای تضعیف مسئولان استفاده می کردند و بعضی از آن ها عکس های مبتذل و مسایل غیر اخلاقی را رواج می دادند. باید گفت در آن هرج و مرج، کسی جرئت مخالفت با آن ها را نداشت و در صورت مخالفت، روزنامه ها بی درنگ سر و صدای زیادی به راه می انداختند و از نبودن آزادی شکایت می کردند.(۲)

۷. حمایت از دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی امریکا

۷. حمایت از دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی امریکا

۱- پارسای پر تلاش، ص ۱۱۱؛ پارسای پر تلاش، ص ۱۲۶.

۲- پارسای پر تلاش، ص ۱۳۰.

در سال ۱۳۵۸ دانشجویان قهرمان پیرو خط امام در یک حرکت انقلابی، لانه جاسوسی امریکا را تسخیر کردند. دانشجویان که از بینش نادرست سران دولت موقت خبر داشتند، در این زمینه، با هیچ یک از مسئولان کشور مشورت نکردند. در این میان، تنها شهید قدوسی را برگزیدند، ولی نگران بودند که وی از این حرکت استقبال نکند و برای تعقیب و دستگیری افرادی که نام آنان در اسناد لانه جاسوسی پیدا می شود به دانشجویان یاری نرساند، ولی شهید قدوسی از همان آغاز با کوشش فراوان دانشجویان را یاری داد و افرادی مانند امیر انتظام، مقدم مراغه ای و دیگران را که نامشان به وسیله دانشجویان افشا شده بود، با سرعت و قاطعیت تعقیب و یا دستگیر کرد.(۱)

۱- پارسای پر تلاش، ص ۱۲۰.

فصل چهارم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی

اشاره

فصل چهارم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی

شهید آیت الله قدوسی از مردانی بود که همّت خویش را به کار بست تا در سایه خدمت به مردم، رضایت الهی را کسب کند. خدمات ایشان دامنه ای گسترده دارد که در این فصل به برخی از این فعالیت ها در عرصه فرهنگی و اجتماعی اشاره می کنیم.

الف) تأسیس مدرسه حقانی

الف) تأسیس مدرسه حقانی

تأسیس مدرسه حقانی (شهیدین فعلی)، مدرسه حقانی، یکی از فصول درخشان در زندگی شهید قدوسی است که از جنبه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک حرکت عمیق و زیربنایی به شمار می رود که با مشارکت و همراهی شهید بهشتی و هم فکری شهید مطهری و بسیاری از استادان حوزه همچون آیت اللّه جنّتی و آیت اللّه مصباح تأسیس شد. شهید قدوسی در هدایت و نظارت مستقیم بر فعالیت های مدرسه حقانی نقش عمده ای داشت. وی مشعل فروزان و چراغ هدایت طلاب آن مدرسه بود و طلاب جوان و پرشور، گرد شمع وجودش پروانه وار به کسب فیض پرداختند.(۱) ایشان با شرکت در تأسیس مدرسه حقانی

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۴۵.

یکی از بزرگ ترین خدمات را به حوزه علمیه و انقلاب اسلامی انجام داد.

ب) تأسیس مکتب توحید خواهران

ب) تأسیس مکتب توحید خواهران

گام دیگر شهید قدوسی برای پیشبرد فرهنگ اسلامی، آشنا کردن زنان جامعه با این فرهنگ زندگی ساز است. زنان جامعه، افزون بر پرورش فرزندان، بخشی از نیروی فکری جامعه را تشکیل می دهند و نقش مؤثری در شکل گیری اندیشه علمی هر جامعه دارند.

از این رو، شهید قدوسی با تأسیس مکتب توحید در قم، اقدامی آگاهانه و بنیادین را آغاز کرد. تأسیس مکتب توحید در سال ۱۳۵۲ برای تحصیل خواهران در شهر مقدس قم با استقبال بسیار خواهران مشتاق از سراسر کشور رو به رو شد. این کار در آغاز با مشکلات زیادی همراه بود؛ زیرا از یک سو ساواک می کوشید با فرستادن افراد نفوذی به داخل مدرسه، امنیت آن را بر هم زند و مردم را نسبت به این حرکت فرهنگی بی اعتماد کند. از سوی دیگر، افرادی با بهانه قرار دادن آموزش زنان، با آن مخالفت می کردند. شهید قدوسی با قاطعیت تمام در مقابل آن ها ایستاد و گفت:

اگر مدرک دارید که در قرآن یا احادیث آمده است که آموزش دینی زنان برخلاف اسلام و سنت رسول اللّه است، ارائه نمایید.(۱)

ولی همه این مشکلات با یاری خداوند و تلاش شهید قدوسی و تجربیات چندین ساله مدیریت در مدرسه حقانی پشت سر گذاشته شد و طولی نکشید که ده ها خواهر متعهّد و علاقه مند، به تحصیل علوم دینی در مکتب توحید پرداختند

۱- روزنامه رسالت، ش ۲۳، ۱۵/۶/۶۸، ص ۴.

و پس از مدتی، گروهی از ایشان فارغ التحصیل شدند و به شکل شایسته ای به زنان کشور و فرهنگ جامعه خدمت کردند.

مکتب توحید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مجتمع بزرگ جامعه الزهرا علیهاالسلام تبدیل شد که هم اکنون ده ها خواهر ایرانی و غیر ایرانی در این مرکز تحصیل می کنند و هزاران خواهر متدّین از این مرکز در سرتاسر ایران به تبلیغ می پردازند. پس از مکتب توحید، مکتب های دیگری در شهرستان های دیگر، برای تحصیل خواهران به وجود آمد.(۱)

ج) تنظیم برنامه درسی حوزه علمیه

ج) تنظیم برنامه درسی حوزه علمیه

شهید قدوسی و شهید بهشتی و بزرگان دیگر به این نتیجه رسیده بودند که حوزه علمیه با دو مشکل اساسی رو به رو است: از یک سو، در دنیایی که دستگاه شرک و کفر از مجموعه دستاوردهای علوم بشری و از پیشرفته ترین فنون تبلیغاتی استفاده می کنند، کسانی می توانند از حق و عدل و ایمان دفاع کنند که ایمان تا اعماق جانشان نفوذ یافته باشد و از اطلاعات عمومی زمان خویش بهره مند باشند، ولی متأسفانه تا آن زمان در راه آشنایی با روش های جدید علوم انسانی گامی برداشته نشده بود.

از سوی دیگر، حوزه های علمیه جامعیت خود را از دست داده بودند؛ در زمان های گذشته رشته های گوناگون درسی از تفسیر، حدیث، تاریخ، فقه و

۱- یادنامه شهید قدوسی، صص ۳۷ و ۳۸؛ پارسای پرتلاش، صص ۱۰۱ _ ۱۰۳؛ روزنامه کیهان، ش ۱۵۷، ۱۳/۶/۷۵، ص ۶.

اصول و فلسـفه و حتّی طب و ریاضـی و نجوم در حوزه ها تـدریس می شـد؛ در حالی که فقه و اصول به دروس اصـلی تبدیل شده بودند و رشته های دیگر به ویژه علوم عقلی با استقبال کمتری مواجه بودند. علوم عقلی، از ارکان فرهنگ پربار اسلامی به شمار می رود که حاصل صدها سال تلاش خسـتگی ناپذیر و بی وقفه اندیشمندان علوم کلام و فلسفه اسلامی است که با بهره گیری از هدایت های قرآنی و آموزش های عترت علیهم السلام، اوراقی زرّین بر تاریخ اندیشه اسلامی افزودند.(۱)

با توجه به این اشـکال اساسـی بود که آیت اللّه شـهید قدوسـی و هم فکران اندیشـمندش، درس هایی مانند: تفسـیر، معارف و قرآن، علم رجال و درایه، علم حدیث، کلام، تاریخ اسلام و نهج البلاغه را از درس های رسمی مدرسه قرار دادند.(۲)

همچنین برای نخستین بار، زبان انگلیسـی، درس های جامعه شناسی، روان شناسی و اقتصاد را که در آن زمان در حوزه معمول نبود، در شمار برنامه طلاب قرار داد.(۳)

اصـلاح کتاب های درسـی حوزه نیز امری ضـروری به نظر می رسید؛ زیرا کتاب های درسی حوزه تا آن تاریخ و حتی سال ها بعد، متنی سنگین و خسته

۱- پارسای پرتلاش، ص ۶۵.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۳۵، و روزنامه کیهان، ش ۱۵۷، ۱۳/۶/۷۵، ص ۶.

۳- عدالت در خون، ص ۲۵.

کننده بود. بسیاری از این کتاب ها مربوط به قرن ها پیش بودند که به عنوان کتاب درسی نیز تدوین نمی شد. در آغاز، حجت الاسلام سیّد محمّدرضا طباطبایی کتابی با نام صرف ساده در علم صرف تدوین کرد. این کتاب در عین پرمحتوا و ارزشمند بودن، بسیار آسان تدوین شده بود.

در زمینه مفردات قرآن و علم نحو و معانی و بیان نیز، جزوه هایی به همین شکل تدوین شد که به سبب پافشاری شهید قدوسی بر تکمیل و بهتر شدن هر چه بیشتر آن، کار به درازا کشید و متأسفانه با پیروزی انقلاب ناتمام ماند و به صورت کتاب منتشر نشد.

در زمینه فلسفه، دو کتاب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه از علامه بزرگوار طباطبایی در دست است که با درخواست شهید قدوسی از ایشان نگاشته شد که تاکنون نیز به عنوان یکی از بهترین کتاب های درسی در رشته فلسفه در حوزه تدریس می شود.(۱)

د) برگزاری امتحان در حوزه علمیه

د) برگزاری امتحان در حوزه علمیه

یکی از اهداف شهید قدوسی سازماندهی حوزه قم بود. او می خواست طلاب با برنامه درس بخوانند و از آنان امتحان به عمل آید تا بتوانند مراحل تحصیل را به صورت منظم طی کنند. از این رو، هر روز درس های روزهای گذشته را از شاگردان می پرسیدند و هر هفته امتحانی برگزار می شد و ورقه هر

۱- پارسای پرتلاش، صص ۷۷ و ۷۸.

یک از شاگردها را دو نفر دیگر از شاگردان تصحیح می کردند و در سال هم دو بار امتحان اصلی می دادند.(۱)

امتحـان هـای هفتگی و امتحان های پنجاه سؤالی شـهید قدوسـی، درس گلسـتان و حفظ قرآن شـهید قدوسـی، همه گویای دل سوزی ایشان بود.(۲)

افزون بر امتحان های یاد شـده، شـهید قدوسـی برای پذیرش ورودی طلاب نیز سـطح بالاتری را در نظر می گرفت. مقام معظم رهبری در مصاحبه ای چنین می گوید:

از زمانی که مـدرسه حقانی به مدیریت ایشان شـروع شد، سـطح شـروع درسـی در حوزه علمیه از مراحل پایین به مراحل بالای معلومات ارتقا یافت تا جایی که علاوه بر دیپلم، در سطح لیسانس و فوق لیسانس برای حوزه علمیه پذیرفته می شدند.(۳)

شهید قدوسی در پذیرش طلاب بسیار دقت می کرد؛ به گونه ای که هر ساله هم زمان با آغاز سال تحصیلی، خودش به تنهایی با تمام داوطلبان مصاحبه ای طولانی انجام می داد.

همین دقت نظر وی سبب شد که در طول سال های فعالیت در مدرسه حقانی ساواک با تمام حساسیتی که به آن داشت، نتواند هیچ جاسوسی را در داخل مدرسه بگمارد؛ چون امکان نداشت کسی بدون مصاحبه وارد مدرسه

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۵۶.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۳۰.

۳- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۵۷ (مصاحبه با مقام معظم رهبری).

شود.(۱)

ه) قرار دادن درس های دانشگاهی برای طلاب

ه) قرار دادن درس های دانشگاهی برای طلاب

علوم جدیـد دانشـگاهی تا آن زمان جایگاهی در حوزه علمیه نـداشت و روحانیون و طلاب هرگز به صورت برنامه ریز شده با دروس دانشـگاه آشـنا نمی شدند. تنها شـمار اندکی از روحانیون به سـبب علاقه شخصی به مطالعه آزاد کتاب های دانشگاهی می پرداختند. بعضی از آنان برای آشنایی بیشتر، ناگزیر حوزه را رها می کردند و به دانشگاه می رفتند.

شهیـد قدوسـی برای حـل این مشـکل کارهـای بسـیاری انجـام داد. از یـک سو، بـا کمک و راهنمایی های شـهید بهشتی برای فراگیری علوم انسـانی دانشـگاهی، برنـامه هـایی تـدوین کرد. این درس ها به صورت برنامه ریزی شـده جزء دروس اجباری و اصـلی طلاب حوزه قرار گرفت. در برنامه آموزشـی تـدوین شـده، طلاب پس از ده سال تحصـیل و آشـنایی با علوم گوناگون اسـلامی، به تحقیق و تـدریس در زمینه هـای گسترده فرهنـگ اسـلامی می پرداختنـد. در این تحقیقـات، علوم اسـلامی و علوم جدیـد دانشـگاهی در کنـار هم و به صورت مقایسه ای تـدریس و تحقیق می شدنـد و طلاب به شـرکت در کلاس و مطالعه و مباحثه بسـنده نمی کردند، بلکه به تحقیق و تفکر و نقد و بررسـی رشته های علمی وادار می شدند تا به اندیشه ای باز و خلاق دست یابند. درس های فلسفی مقایسه ای شهید بهشتی و تدریس فلسفه هگل با استفاده از متن اصلی به زبان آلمانی از

۱- پارسای پر تلاش، ص ۷۱.

سوی وی، از جمله این ابتکارهایی بود که در آن زمان در حوزه علمیه شیوه ای نو به شمار می رفت.

و) وحدت بین حوزه و دانشگاه:

و) وحدت بین حوزه و دانشگاه:

از دیگر کارهای ارزشمند شهید قدوسی، تلاش برای ایجاد ارتباط و اتحاد بیشتر میان طلاب و دانشجویان بود. وی به لحاظ شناخت دقیق ویژگی ها و نقاط قوّت و ضعف هر دو گروه، با وجود ناملایمات و سختی ها با تشکیل کلاس ها و برگزاری برنامه های مشترك و دعوت از استادان متعهد دانشگاه ها، از سردمداران وحدت حوزه و دانشگاه به شمار می رود. شهید قدوسی از استادان دانشگاه که آن روزها در تهران به سر می بردند و جزء روحانیون نبودند، به سبب تخصص و تعهدشان برای تدریس در مدرسه حقانی دعوت می کرد. از این رو، رابطه ای خصوصی میان حوزه و دانشگاه برقرار شده بود.(۱) وی به روشن فکران مسلمان بسیار علاقه داشت و ارتباط فکری بسیاری با دانشگاهیان مبارز برقرار می کرد.

برای همین، در سال های پیش از انقلاب اسلامی، شهید قدوسی برای ارتباط هرچه بیشتر حوزه و دانشگاه، کلاس های زیادی برای دانشجویان برگزار کرد که بسیاری از دانشجویان برای یادگیری دروس اساسی در این کلاس های شرکت می کردند(۲) و روحانی و نسل جوان دانشگاه در کنار هم، در مسجد می نشستند و

۱- پیام انقلاب، ش ۹۲، ص ۴۵.

۲- عدالت در خون، ص ۲۶.

علوم اسلامی را فرا می گرفتند.

ز) برگزاری درس اخلاق در مدرسه حقانی

ز) برگزاری درس اخلاق در مدرسه حقانی

از جمله مهم ترین کارهـای شـهید قدوسـی که تـأثیر فراوانی بر تمـام شاگردان وی و حتی طلابی که در مـدرسه حقانی نبودند داشت، درس های اخلاق ایشان بود. درس های اخلاق او که هر هفته معمولاً روزهای پنج شـنبه تشکیل می شد، به سان مائده الهی و آب گوارا، روح تشـنه طلاب مدرسه و دیگر شرکت کنندگان را سیراب می کرد. در این درس ها، وی عبادت، تقویت اراده، عزت و سرافرازی را به همگان می آموخت و رفتار و زندگی عملی او نیز شاهدی صادق بر راستی و درستی او بود.(۱)

هنوز آجرهای مسجد مدرسه منتظریه، طنین سخنانش را که از خطبه های پرشور نهج البلاغه مایه می گرفت، به گوش آگاهان بینا می رسانند. ملکات اخلاقی در تمام وجود آن بزرگوار رخنه کرده بود.(۲) در خطبه های نهج البلاغه به ویژه خطبه همّام را که در وصف پرهیزکـاران است، بـا چشم های گریان و صـدای لرزان چنان اثر بخش و تکان دهنـده بیان می کرد و اشک می ریخت که دیگران را نیز به گریه وا می داشت. شـهید قدوسـی، در پی تزکیه روحی دیگران بـود. هرگز سـخنی را نمی گفت مگر آن که پیشتر خود به آن عمل کرده باشد. سخنش از دل

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۴۱؛ پارسای پرتلاش، ص ۸۷؛ و روزنامه اطلاعات ش ۱۸۵۵۵، ۱۵/۶/۶۷، ص ۶.

۲- مجله اعتصام، ماهنامه انجمن های اسلامی، ش ۴۱، ص ۵.

بر می خاست و بر دل می نشست. از خدا آن گونه سخن می گفت که واصلان الی الله می گویند و همواره به این روایت عمل می کرد که:

مردم را با زبان خویش به سوی خدا نخوانید، بلکه با عمل و رفتارتان به سوی خدا دعوت کنید.(۱)

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۰۲.

فصل پنجم: ویژگی های اخلاقی و جلوه های رفتاری

اشاره

فصل پنجم: ویژگی های اخلاقی و جلوه های رفتاری

بزرگی اشخاص از یک سو به تعالی، گستردگی و سلامت اندیشه و ایمان آنان بستگی دارد و از سوی دیگر با عمل همگام و هماهنگ با اندیشه و ایمانشان ارتباط پیدا می کند. کسانی که این دو جنبه را با هم داشته باشند، الگو و نمونه دیگران قرار می گیرند و دیگران می توانند با مطالعه احوال، اندیشه ها و رفتار آنان، قدم در راه آنان بگذارند. آیت اللّه شهید قدوسی از جمله رادمردانی است که عمری در راه جهاد اکبر و خود سازی سپری کرد و توانست فضلیت ها و صفات اخلاقی را در خود نمایان سازد. اینک پاره ای از ویژگی های این شهید بزرگ را یادآور می شویم تا الگویی برای تشنگان حقیقت و رهروان بندگی و عبودیت باشد.

الف) اخلاص

الف) اخلاص

مهم ترین ویژگی آن شهید اخلاص در کارها بود. اگر کوچک ترین عمل غیر خدایی از کسی می دید، آن شخص نزد او بی اعتبار می شد. او معتقد بود که کارهای کوچک و بزرگ انسان، باید رنگ خدایی داشته باشد. هرگز نمی خواست عملی را که انجام داده بیان کند. مستحبات را نیز تا حد امکان دور

از چشم دیگران انجام می داد.(۱)

زمانی که روزنامه های کثیرالانتشار، تهمت ها و مطالب نادرستی به ایشان نسبت دادند، دوستان و نزدیکان از او می خواستند تا با روشن کردن مسایل، شبهه ها را برطرف کند، ولی پاسخ ایشان تنها جمله ای کوتاه بود. «من برای خدا کار می کنم و تنها برای خدا مصاحبه می کنم و اکنون احساس می کنم مصاحبه برای خدا نیست»، ولی وقتی احساس می کرد مطرح کردن آن، آبروی انقلاب را حفظ می کند، هم خدمات انقلاب و حتی مسایل شخصی را بیان می کرد.(۲) می توان گفت شهید قدوسی در زندگی اش هیچ کلمه ای به اندازه کلمه اخلاص تکرار نکرد. او هنگام تدریس اخلاق و در صحبت های خصوصی، پیوسته همگان را به اخلاص سفارش می کرد. او علما و بزرگان گذشته را الگوهایی در این زمینه می دانست. اخلاص امام خمینی رحمه الله را از برجسته ترین صفات ایشان بر می شمرد و همواره شیفته اخلاص ایشان بود. در کارهایی که به ایشان سپرده می شد می گفت: من از خدا خواسته ام و پیوسته می خواهم به هم دست اندرکاران، اخلاص عنایت کند و اگر در نیّت من بخواهد چیزی جز رضای حضرتش راه پیدا کند، مرا از ادامه این کار باز دارد.(۳)

شهید قدوسی مهم ترین معیار برای انتخاب افراد و واگذاری مسئولیّت را

۱- پارسای پرتلاش، ص ۸۹.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۴۴.

۳- یادنامه شهید قدوسی، صص ۷۸ و ۷۹ و جمهوری اسلامی، ش ۱۵۲۶، ۱۴/۶/۶۳، ص ۹.

میزان اخلاص و تقوای آنان می دانست. گاه با استعدادترین محصل را از مدرسه اخراج و پرکارترین دادستان را عزل می کرد و به کم استعدادترین و کم تجربه ترین افراد عشق می ورزید؛ زیرا معتقد بود: «که آن به فکر خود است و این به فکر خدا».(۱)

ب) ارادت ویژه به اهل بیت علیهم السلام

ب) ارادت ویژه به اهل بیت علیهم السلام

شهید قدوسی از آغاز کودکی با محبت به اهل بیت پرورش یافته و عشق به چهارده معصوم علیهم السلام با تار و پود جانش آمیخته شده بود. از همان کودکی، نهال محبت این دودمان در نهاد او بارور شد و چون درختی سترگ در ژرفای روانش ریشه دوانید. اینک هستی او با عشق به آل عبا و شجره طیبه ولایت آمیخته بود. سرانجام نیز در راه پای بندی به این عشق پاک، جام شهادت را سر کشیده و به دیدار دوست شتافت.

جملات نهج البلاغه ورد زبان شهید قدوسی بود. کلمات نهج البلاغه را بسیار دل نشین بازگو می کرد. ساعت ها پس از درس اخلاقش، شاگردان مات و مبهوت، در حال و هوای سخنان مولایشان علی علیه السلام غرق می شدند.(۲)

عشق سرشار وی به سید الشهدا و شهیدان کربلا در او چنان شوری پدید آورده بود که در مجالس سوگ آن حضرت، سر از پا نمی شناخت و با صدای بلند می گریست. زیارت جامعه کبیره و عاشورا و توسل به خاندان پیغمبر

۱- جمهوری اسلامی، ۱۴/۶/۶۳، ش ۱۵۲۶، ص ۹.

۲- کیهان، ۱۶/۶/۵۳، ص ۶.

صلی الله علیه و آله را ترک نمی کرد. از سویی چون فردی پرکار بود، هنگام انجام دادن کارهایش اعمال زیارت عاشورا را به جای آورد. یکی از اساتید حوزه علمیه می گوید:

در ایام عاشورا، روزی نزد شهید قدوسی بودم. بعد از آن که قسمتی از کارهای مشترک انجام گرفت، قصد شرکت در مجلس روضه کردیم. ایشان گفت برویم روضه منزل آیت اللّه برقعی؛ چرا که حدود صد سال است در این منزل به طور مداوم در ایام محرم مجلس روضه بر پاست و قطعاً حضرت امام حسین علیه السلام به این مکان توجه دارد.(۱)

شهید قدوسی معتقد بود «برای خواندن زیارت عاشورا از معتمدترین نسخه، استفاده کند و می فرمود: «علامه طباطبایی، به این معنا تأکید دارد و در ایّام محرم و صفر، زیارت عاشورایش ترک نمی شد».(۲)

یکی از دوستان شهید قدوسی می نویسد:

...ایشان نسبت به زیارت عاشورا مواظبت داشت؛ چون موقعی که دادستان کل بود، من در خواب دیدم که بر اثر خواندن زیارت عاشورا، به ایشان علوم خاصی داده شد. وقتی به ایشان عرض کردم، متأثر شد و گفت: مدتی است توفیق خواندن زیارت عاشورا پیدا نکردم و این بر اثر کثرت کارشان در دادستانی بود.(۳)

هر سال در روزهای شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در منزل خودش مجلس روضه برقرار می کرد؛ مجلسی که در آن بزرگانی همچون علامه

۱- پارسای پرتلاش، ص ۹۱.

۲- یادنامه شهید قدوسی، صص ۶۷ و ۶۸ و آثار و برکات زیارت عاشورا، عباس عزیزی، صص ۱۶ و ۱۷.

۳- یادنامه شهید قدوسی، ص ۴۹. آثار و برکات زیارت عاشورا، عباس عزیزی، صص ۱۸ و ۱۹.

طباطبایی رحمه الله شرکت می کردند. در این مجلس و هر مجلس روضه دیگر، هم زمان با خواندن مصائب اهل بیت علیهم السلام گریه شدید شهید قدوسی نیز آغاز می شد.

در روزهای تابستان که در مشهد مقدس به سر می بردند، دست کم روزی یکبار به زیارت امام هشتم علیه السلام می رفت و زیارت جامعه کبیره را از حفظ و با چشم گریان و توجّه ویژه می خواند.

شهید قدوسی به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف بسیار ارادت داشت و پیوسته می گفت:

ما باید حضرتش را که صاحب امر ماست، در همه امور و شئون خود حاضر و ناظر بدانیم.(۱)

ج) تقوا و خود سازی

ج) تقوا و خود سازی

یکی از برجسته ترین ویژگی های رفتاری ایشان، تقوا و خداترسی بود. این حقیقت در همه برخوردهای ایشان دیده می شد.

ایشان در نوجوانی به میدان خود سازی گام نهاده بود و به فراگیری علوم و تزکیه نفس چنان اهمیت می داد که گویا کاری غیر از آن ندارند.

مسایل دنیوی و مادی نزد او بسیار کم ارزش بود و معمولاً پرتگاه و لغزش های انسان را در همین مسایل دنیایی و نفسانی می دانست. در مدت زمانی که او دادستان انقلاب بود، هرگز حقوقی برای خود در نظر نگرفت و از امکانات مالی که حقّ او بود استفاده نکرد. با این که به دیگران اجازه می داد از آن ها استفاده کنند به شدت مراقب بود که اموال شخصی او با اموال عمومی

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۸۰. و روزنامه اطلاعات، ش ۱۷۳۹۲، ص ۱۹.

مخلوط نشود. هنگامی که دادستان انقلاب شد، نپذیرفت در منازل سازمانی زندگی کند؛ در حالی که دوستان ایشان، پیشنهاد می کردند در منزل مصادره ای و سازمانی زندگی کند، شهید قدوسی با لبخندی معنی دار می گفت:

بگذارید جنازه مرا از منزل مصادره ای بیرون نیاورند!.(۱)

برای شهید قدوسی وظیفه شرعی و تعهّد در مقابل اسلام، یک اصل بود. همیشه و در همه جا کارها را با این اصل تطبیق و به آن عمل یا آن را رد می کرد. وی راننده ای را که ایمانش او را از سوار کردن خانمی بی حجاب در تاکسی باز می داشت، الگو قرار می داد و جایگاه آن راننده، نزد او بسیار بالاتر از آن روحانی خود باخته ای بود که عملش را وسیله کسب مال و مقامش می کرد.(۲)

د) عبادت و تهجّد

د) عبادت و تهجّد

یکی از عوامل مهم موفقیّت شهید قدوسی که می تواند برای دیگران الگو قرار گیرد، مقید بودن ایشان به کارهای عبادی است. شهید قدوسی برای عبادت اهمیّت ویژه ای قائل بود و افزون بر انجام دادن واجبات، مقید بود که مستحبات و نافله ها را هم به نیکوترین شکل به جا آورد. اعمال و مستحبات روزها و شب های ماه رجب، شعبان و رمضان را با دقت بسیار انجام می داد. بیشتر روزهای سال، روزه بود. با قرآن و مفاتیح بسیار انس داشت؛ به گونه ای که بسیاری از سوره های قرآن و دعاهای مفاتیح الجنان را از حفظ بود و آن ها را در

۱- پارسای پرتلاش، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۸۵۷، ۱۷/۶/۷۵، ص ۶.

قنوت نمازهایش می خواند.(۱) او نماز شبش را همچون نمازهای واجب به جای می آورد.(۲) کمتر مجلسی بود که شهید قدوسی در آن سخن بگوید، ولی به نماز شب و اهمّیت آن اشاره نکند. بر این باور بود که انسانی که نتواند خواب و بستر گرم را رها کند و برای نماز شب از آن بگذرد، در آینده از خیلی چیزها نخواهد گذشت.(۳)

وی همواره ضرورت تعبّد در کنار تعلّم را یادآور می شد و می گفت: طلبه ای که هنگام نماز شب بیدار باشد و نماز شب نخواند از اشرار و بدان خواهد بود.(۴)

ه) سیر و سلوک و مقام معنوی

ه) سیر و سلوک و مقام معنوی

آیت اللّه قدوسی در سیر و سلوک، سابقه چندین ساله داشت. ایشان از شاگردان عارف کامل علامه طباطبایی رحمه الله و امام خمینی رحمه اللهو مورد توجه ویژه آن بزرگان بود. او در جوانی، مراحلی را در عرفان سپری کرد. در میان طلاب حوزه علمیه قم و فضلا به تقوا و عرفان مشهور و زبان زد همه بود. یکی از دوستان ایشان در این باره می گوید:

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۴۷۰۵، ۱۴/۶/۷۴، ص ۱۵.

۲- عدالت در خون، ص ۹۵.

۳- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۲۹.

۴- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۸۵۵، ۱۴/۶/۷۵، ص ۶.

... از ایشـان خـاطراتی دارم که یکی از آن هـا مشاهـده چهره مشـغول به ذکر و دعـای ایشـان در حرم حضـرت فاطمه معصومه علیهاالسـلام بوده، بسیاری از اوقات در هنگام نماز صبح یا شب به ویژه، شب های جمعه تا آنجا که ممکن بود، می شد ایشان را در حرم دید که با یک حالت خاص عرفانی و معنویّت زیاد، زیارت می کردند و با خلوص نماز می خواندند.(۱)

و) حسن خلق

و) حسن خلق

اخلاق نیک که در اسلام به آن سفارش شده است، یکی از ویژگی های برجسته این شهید بزرگوار بود؛ به گونه ای که انسان مجذوب اخلاق وی می شد. هیچ گاه کسـی را با زبان نرنجاند. تا جایی که می توانست، خواسـته دیگران را بر آورده می کرد و در غیر این صورت با خوش خلقی و با زبان شیرین به او پاسخ می گفتند.

با طلبه هایی که مشکل اخلاقی یا روحی داشتند یا به دلایلی لازم بود به آنان تذکری داده شود، با نرمی سخن می گفت، بلکه ساعت ها و حتی روزها برای آنان تلاش می کرد. او در این زمینه گوید:

گاهی برای این که یک تذکری به دوسـتان یا فرزندم بدهم، یک ماه زمینه سازی و برنامه ریزی می کنم و به طور مستقیم این مسئله را نمی گویم؛ چون این عمل، تأثیرش بیشتر است.(۲)

رفتار وی با طلبه ها، چنان متین و معقول بود که اگر آنان به دلایلی از مدرسه

۱- مجله عروه الوثْقی، ش ۸۲، ص ۱۷.

۲- پارسای پر تلاش، ص ۸۴؛ عدالت در خون، ص ۱۰۱.

اخراج می شدند، باز هم به ایشان احترام می گذاشتند و در برخی اوقات از ایشان دفاع می کردند.(۱) او می کوشید در مقابل انتقاد بر حقّ دیگران تسلیم باشد و از افرادی که اعمال نادرست خود را توجیه می کردند، دوری می گزید.

شهید قدوسی، مصداق این روایت شریف حضرت علی علیه السلام است که می فرماید:

مؤمن کسی است که با دیگر مؤمنان انس می گیرد و آنان نیز با او انس می گیرند و مهربان است.(۲)

فرزند ایشان درباره حسن خلق وی می گوید:

شهید قدوسی در رابطه با محیط خانواده، نمونه کامل یک مربّی بودند. یک مربّی که جمیع ابعاد مختلف انسانی و اسلامی را در خود فراهم آورده بود. ابعادی که هر بعدش کافی بود، در فردی باشد تا اثرات بسیار در آن محیط خانوادگی به جا گذارد.

باید گفت شهید قدوسی در ارتباط با فرزندانشان جاذبه و دافعه داشت. از یک سو به فرزندان خود علاقه بسیار داشت، در عین حال به شکلی برخورد می کرد که فرزندانش بیش از اندازه به محبّت او عادت نکنند؛ به گونه ای برخورد می کردند که ما علاوه بر علاقه فراوان که به ایشان داشتیم، تا حد زیادی ایشان را محرم خود دانسته و هم این که از حدّ خود پا فراتر نگذاشته و از ایشان حساب می بردیم.

هیچ وقت مطلبی را به ما تحمیل نمی کردند، بلکه به ما میدان می داد تا به نتیجه

۱- عدالت در خون، ص ۱۱۴.

۲- غرر الحکم، ص ۱۱۴.

آن مسئله خودمان برسیم و پوچی آن را احساس کنیم. البته از طرف دیگر طوری بود که هیچ وقت از مسائل ما غافل نبود.(۱)

ز) فروتنی

ز) فروتنی

شهرت گریزی، هوی ستیزی و فروتنی از دیگر ویژگی های برجسته شخصیت معنوی ایشان است. با این که استاد شناخته شده و از برجستگان حوزه علمیّه بود، ولی هیچ گاه اجازه نمی داد کسی عنوان یا لقبی برایش بیان کند. ستایش دیگران از خود را منفی می دانست و با این حال، اگر نزد او از دیگران تعریف می کردند، آن را جدی می گرفت.(۲)

شهید قدوسی خود را هم سطح مردم می دانست و به توده مردم علاقه فراوانی داشت. در سلام کردن بر دیگران پیشی می گرفت و در عبور، همراهان را بر خود مقدم می داشت. اگر به مجلسی وارد می شد که عوام و خواص جدا شده بودند، می کوشید در میان افراد عادی بنشیند و حتی پافشاری و تعارف ها هم نمی توانست او را به صدر مجلس بکشاند. ایشان حتی از امام جماعت شدن دوری می کرد. شاگردان وی، جز مواردی اندک، نتوانستند به او اقتدا کنند.

استاد شهید در کیفیت لباس پوشیدن و اصلاح سر و صورت، خود را مانند طلبه های معمولی می آراست. فرزند ایشان در این زمینه می گوید:

پدرم دقت خاصی را داشت که حجم عمامه اش بزرگ نباشد و محاسنش از حد

۱- پیام انقلاب، ش ۱۱۸، ص ۳۸.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۳۷؛ روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۸۵۷، ۱۷/۶/۷۵، ص ۶.

معمولی بلند نشود. با توجّه به این خصلت می توان دریافت که از پذیرش مقاماتی چون دادستانی کل انقلاب و عضویت شورای عالی قضایی، تا چه حدّ در فشار روحی بوده است.(۱)

ایشان با وجود این که سال ها پیش از شهادت به درجه اجتهاد رسیده بود، همچون یک طلبه ساده پشت میز یا روی زمین می نشست. به همه احترام می گذاشت و هیچ تلاشی را بدون پاداش نمی گذاشت. هنگام ورود هر استاد یا طلبه ای از جا بر می خواست اگر فردی از مسئولان را خالص و با تقوا می یافت، در نهایت احترام و فروتنی با او رفتار می کرد. او از افرادی چون شهید رجایی به عنوان فردی بزرگ و با تقوا یاد می کرد. یکی از شاگردان شهید قدوسی می گوید:

در زمان ریاست جمهوری شهید رجایی، جلسه ای امنیتی با حضور چند تن از اعضای شورای عالی قضایی، وزیر کشور، آیت اللّه مهدوی کنی و غیره تشکیل شده بود. مغرب فرا رسید و افراد جهت آماده کردن خود برای نماز از جای برخاستند. شهید قدوسی و شهید رجایی، چون وضو داشتند جهت اقامه نماز به دفتر رئیس جمهوری رفتند و من نخستین فردی بودم که وارد محلّ نماز شدم و شاهد گفت و گوی عجیب و باور نکردنی آنان بودم. شهید قدوسی به شهید رجایی اصرار می کرد که جهت اقامه نماز، به عنوان امام جماعت بایستد. در طرف مقابل شهید رجایی مخالفت می کرد. وی می گفت: با وجود چندین تن از علما، من چگونه امام جماعت شوم! شهید قدوسی در پاسخ گفت: اگر عمامه به تنهایی دلیل برتری است، من عمامه ام را به شما می دهم و شما سرتان بگذارید! بالاخره شهید رجایی با اصرار ایشان به عنوان امامت جماعت ایستاد و دیگران به

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۷۳۹۲، ۱۴/۶/۶۳، ص ۱۹.

آن شهید اقتدا کردند.(۱)

او مصداق فرمایش گهربار پیامبر صلی الله علیه و آله بود که فرمود:

هر کس برای خدا فروتنی کند، خداوند او را بالا می برد و آن کس که تکّبر ورزد، به زیرش می اندازد.(۲)

ح) گشاده دستی

ح) گشاده دستی

همه کسانی که ایشان را می شناختند بر این باورند که در گشاده دستی کسی را مانند شهید قدوسی ندیده اند. ایشان بی شک در این خصلت به مرتبه ایثار رسیده بود. حتی چیزهایی را که مورد احتیاج خودش بود به دیگران می بخشید.(۳)

شهید قدوسی می کوشید تا هیچ کس از یاری رساندن او به مستمندان با خبر نشود. اگر کسی برای حل مشکلی نزد او می آمد، بسیار می کوشید تا مشکل او را حل کنند. با این که در اثر مشغله کاری و مسائل روز، مشکلات زیادی پیدا کرده بود، ولی وظایفی را که بر دوش داشت، کاملاًـ انجام می داد.(۴) شهید قدوسی می کوشید به خانواده های زندانیان سیاسی که به دلایل گوناگون دستگیر شده بودند، رسیدگی کند تا مبادا دچار سختی شوند. حتی اگر فردی دستورهای

۱- پارسای پر تلاش، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶.

۳- روزنامه جمهوری، ش ۴۷۰۵، ۱۴/۶/۷۴، ص ۱۵.

۴- رویدادها، ج ۱، ص ۴۱۷.

ایشان را اجرا نمی کرد، به وی پیغام می داد و می گفت: «اگر فلانی رسیدگی نمی کند و پول ندارد، من برای او پول بفرستم، چون ما در برابر این افراد مسئولیّت داریم».(۱)

ایشان می کوشید شخصیت و عزت همسران و خانواده های زندانیان سیاسی با کمک های مالی و روحی ضربه ای نبیند. در مواردی این کمک ها به وسیله افرادی که مشخص نمی شد از سوی چه کسی هستند، صورت می گرفت.

ط) بردباری

ط) بردباری

شهید قدوسی در فعالیت های خود همواره با کار شکنی و توطئه روبه رو می شد، ولی با آرامش همه را تحمّل می کرد و هیچ گاه در پی گرفتن انتقام نبود. حتی اگر با برخوردهای غیر اسلامی و توهین آمیز روبه رو می شد، صبر می کرد و حرفی نمی زد. او معتقد بود که در این موارد، انسان خود را می آزماید و به میزان تسلط بر غضب خود پی می برد. او می گفت:

کسی که کیلومترها راه را طی کرده تا برای رفع مشکل خود چاره ای بیابد، اگر به انسان هم اهانت کرد، باید صبر کنیم. هم چنین می گفت:

برای من سخت است که سخن کسی را قطع کنم، زیرا او [مراجعه کننده]با هزاران امید و آرزو نزد من آمده است.

به همین سبب، بعضی از ناآگاهان، این را نقطه ضعف ایشان می دانستند. در بعضی از روزنامه ها نوشته بودند:

چرا این قدر آقای قدوسی با ضد انقلاب ها خوب است.

۱- عدالت در خون، ص ۹۶، و پارسای پر تلاش، صص ۵۴ و ۵۵.

ی) مدیریت

ی) مدیریت

شهید مظلوم بهشتی با توجه به ویژگی ها و شایستگی های شهید قدوسی از او می خواست تا مدیریت مدرسه حقانی را بپذیرد. ایشان پس از پذیرفتن مدیریت، همه تلاش خود را در راه شکوفایی و رشد مدرسه به کار گرفت. گاهی ۱۸ ساعت در شبانه روز کار می کرد و حتی در منزل هم به مسائل مربوط به مدرسه می پرداخت.

او برنامه ای هفده ساله برای مدرسه تنظیم کرده بود و عقیده داشت طلبه ای که وارد حوزه می شود، باید با گذراندن هفده سال، به اجتهاد نایل آید.

برنامه ایشان برای مدرسه، در مجامع علمی آن روز بی نظیر بود. سامان بخشیدن به کارهای گوناگون مدرسه از جمله سطح بندی طلبه ها، برگزاری دوره تخصصی و تحقیقات عالی و ایجاد نظم چشمگیر در مدرسه، از مجموعه موفقیت های ایشان در مدیریت مدرسه بود و مجموعه این عوامل سبب شد تا نخبه ترین و با استعدادترین طلبه های آن زمان به مدرسه حقانی رو آورند.(۱)

امام خمینی رحمه الله درباره او می فرماید:

او یک نمونه مدیریت عالی اسلامی را ارائه کرد و مرد تقوا و دقت و عمل بود.(۲)

ک) نظم در کارها

یا) نظم در کارها

نظم شدید وی زبانزد خاص و عام بود. اگر شاگردانش بگویند که در مدت

۱- روزنامه کیهان، ش ۱۳۴۱۱، ۱۴/۶/۶۷، ص ۱۴.

۲- پارسای پر تلاش، صص ۶۹ و ۷۰؛ روزنامه کیهان، ۱۶/۶/۷۲، ص ۶.

۱۴ سال بهره مندی از مدیریت این مرد بزرگ حتی پنج دقیقه تأخیر و تخلف از ایشان ندیده اند، سخن درستی است. همچنین تخلف از ضوابط را از هیچ کس نمی پذیرفت.(۱)

برای همین همیشه از بی نظمی بیزار بود و از تأخیر و غیبت محصلان ناراحت می شد. همچنین با تعطیل شدن بی مورد کلاس ها و تعطیلات بین دو تعطیلی بسیار مخالفت می کرد.

حضور پیش از هنگام شهید قدوسی در مدرسه و نگاه های معنی دار، پس از خوردن زنگ مدرسه، در آوردن ساعت بغلی اش، برای همه دوستان و استادان مدرسه به عنوان هشداری مؤدبانه، گویای اهمیّتی بود که ایشان برای درس قائل بود!

در مدرسه حقانی، آن چه که بیش از همه طلاب را به رعایت نظم وا می داشت، عمل شهید قدوسی بود. او پیش از طلوع آفتاب در مدرسه حاضر می شد و تا پاسی از شب در مدرسه می ماند؛ بدون این که زمستان و پاییز و بهار برایش تفاوتی داشته باشد.(۲)

وقتی کاری به وی پیشنهاد می شد، نخست با خود می اندیشید و وقتی می پذیرفت مقید بود که در این کار منظم باشد.

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۷۳۹۲، ۱۴/۶/۶۳، ص ۱۹.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۳۸.

ل) سخت کوشی

یب) سخت کوشی

شهید قدوسی کمتر مسئولیّتی را می پذیرفت؛ به ویژه اگر آن مسئولیت شهرتی در پی داشت، ولی وقتی بر اساس وظیفه شرعی زیر بار مسئولیت می رفت، با جدّیت و دقت تمام به آن عمل می کرد، بی آن که توجّهی به خود و وقت اداری داشته باشد. چه بسا تا نیمه های شب در محل کارش به حل مشکلات مردم می پرداخت و حتی گاهی فرصت غذا خوردن پیدا نمی کرد، در اواخر عمرش هم بر اثر شدت کار و فعالیت، و از دست دادن یاران، روحیه اش بسیار خسته شده بود، ولی باز با همان جدّیت تلاش می کرد و گاه همکارانش نمی دیدند که از شدّت ناراحتی دستش را روی سینه و شکم خود می فشرد و به مراجعه کنندگان پاسخ می دهد.(۱)

م) قاطعیت

یج) قاطعیت

وی در تصمیم گیری هایش بسیار دقت می کرد و در نهایت، هر چه را که تشخیص می داد با قدرت تمام اجرا می کرد و هرگز مصلحت اندیشی ناروا، مانع اجرای تصمیم وی نمی شد. هر کس با او آشنا بود، می دانست که در عمل به وظیفه شرعی اش، ذره ای گذشت نمی کند. او در هر کاری، جوانب کار را می سنجید، سپس تصمیم می گرفت و پس از تصمیم وارد عمل می شد. در این زمان بود که هیچ کس نمی توانست او را از ادامه کار باز دارد، مگر آنجا که اسلام اجازه داده بود.(۲)

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۳۷.

۲- پارسای پر تلاش، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

او درباره افراد، با توجّه به عملکردهایشان نظر می داد. محبوبیّت فرد در میان مردم، سوابق مبارزاتی و علمی فرد، وابستگی حزبی و...، هیچ کدام نمی توانست مجوز این باشد که قدوسی از تخلف آنان صرف نظر یا به آنان مسئولیتی واگذار کند. اگر یک قاضی خلاف می کرد حتی یک شهر هم نمی توانست از بر کناری او جلوگیری کند.

اگر کسی سابقه خدمت داشته باشد و از افراد متّدین و متعهد باشد و تخلفی از او سر بزند، به مراتب بدتر است از کسی که چنین نباشد. با این حال دقیق بود که مبادا تحت تأثیر افکار و جو سازی های دیگران، فرد مخلصی به خاطر عمل کردن به وظیفه اش، توبیخ یا تنبیه شود.(۱)

ن) احتیاط بسیار در استفاده از بیت المال

ید) احتیاط بسیار در استفاده از بیت المال

همه دوستان و آشنایان می دانستند که در مسائل مالی بسیار احتیاط می کند. این امر، سبب جمع آوری بسیاری از اموال مربوط به بیت المال شده بود. مأموران می دانستند که کوچک ترین بی توجهی آنان، اعتراض شدید شهید عزیز را در پی دارد.

وی پیوسته می کوشید افرادی را که در مسائل مالی دقت بیشتر دارند، مسئول بیت المال کند. وی همواره یادآور می شد که این اموال، مربوط به محرومان و مستضعفان جامعه است و برای هر ذره آن در روز قیامت مورد بازخواست قرار

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۸۵۷، ۱۷/۶/۷۵، ص ۶.

می گیرند.(۱)

وی با اسراف و تجملات و به هدر دادن اموال به هر صورت به شدت مخالف بود.

یکی از دوستان شهید قدوسی می گوید:

بعد از تجدید بنای مدرسه و نصب شوفاژ، تمام کلاس ها گرم و راحت بود، اما دفتر کار ایشان سرد بود. وقتی علت را پرسیدم، گفتند: در مواقع تنهایی ضرورت ندارد برای من تنها، یک اطاق به این بزرگی گرم باشد. اگر از تلفن مدرسه استفاده شخصی می کرد، از جیب خودش وجه آن را می پرداخت.(۲)

۱- پارسای پر تلاش، ص ۱۲۱.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۹۰.

فصل ششم: توصیه های اخلاقی شهید قدوسی

اشاره

فصل ششم: توصیه های اخلاقی شهید قدوسی

هر یک از بزرگان انقلاب اسلامی، بر اساس وظیفه، برای توجه قشرهای اجتماع به مسائل گوناگون، سفارش هایی کرده اند. در ادامه به بخش هایی از سخنان شهید آیت اللّه قدوسی اشاره خواهیم کرد.

الف) شناخت خدا

الف) شناخت خدا

شناخت خدا یافتنی است، نه دانستنی. باید خدا را یافت... اگر تو نیابی، دانستنی ها کاری نمی کند.

ب) ذکر خدا

ب) ذکر خدا

هیچ چیز مافوق آرامش نیست و ذکر اللّه است که فقط این آرامش را دارد. ذکر اللّه معنایش این نیست که من مرتب بگویم «لا اله الا اللّه» و دل و حواسم جای دیگر باشد.(۱)

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۳۷.

ج) نهج البلاغه

ج) نهج البلاغه

اگر شما یک کلمه نهج البلاغه را عمل کنید، مسلماً یک عمر نجات پیدا می کنید. باید حرکت کرد و برای این که پای شما نلغزد و در دره های فساد و گمراهی سقوط نکنید، باید کوه بشوید و کوه شدن در صورتی است که به نهج البلاغه و گفتارهای امامان عمل کنید. یک کلمه نهج البلاغه را عمل کن، یک عمر نجاتت می دهد.(۱)

د) شهید و شهادت

د) شهید و شهادت

اگر شما میّت را شستید و کفن کردید و در موقع دفن متوجه شدید که کفن آلوده به خون شد، آنجا می فرماید: اگر ممکن است عوض کن و اگر ممکن نیست آن مقدار از کفن را ببر.

امّا جسد [شهید] این میّت بزرگ، این طالب لقاءاللّه ، این که خودش را به حضور حق عرضه کرده، فرق دارد با آن جسد که دنیوی است. ...این خون به خاطر کمالی روحی، از این جسد ریخت.(۲)

همین لباس بی ارزش در سایر موارد، لباس پر ارزش عرضه به میقاتگاه و لقاءاللّه شده است، همین خون نجس و آلوده ای که اگر می خواهی به عبادت بایستی [این خون را] باید حذف کنی، همین خون آلوده در کنار این شخص فداکار از جان گذشته پر ارزش شده است.(۳)

این ها [شهدا] به خاطر دین، به خاطر اسلام، به خاطر خود انسان از همه چیزشان

۱- پارسای پر تلاش، ص ۹۲.

۲- یادنامه شهید قدوسی، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۳- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۵۲.

گذشتند و اگر ما در [کارهایمان]نتوانیم خودمان را به این مسیر انداخته باشیم در روز قیامت خجالت خواهیم کشید که آن ها چه مرحله ای دارند و ما چقدر عقبیم.(۱)

این شهید دادن ها، ارزش شان وقتی است که در ما این جرقه و اصطکاک [به وجود آید]... و ما را هم منفعل کند.

... این شهادت ها، این گذشت ها، این فداکاری ها، همه این ها فقط برای ما غبطه نیاورد که ای کاش ما هم بودیم. به تحقیق هر لحظه برای شما که بخواهید گذشت کنید، هر لحظه شهادت است.(۲)

ه) توصیه به طلبه های جوان

ه) توصیه به طلبه های جوان

دوستان من! اگر آمده اید که روحانی شوید و به پست و مقام برسید و بعد به دنبال بزرگ شدن و به دست آوردن این موقعیت و آن ثروت باشید، بدانید که در دنیا و آخرت ضرر کرده اید و تا دیر نشده است باز گردید و اگر آمده اید که سرباز امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف و خادم اسلام بشوید خوش آمدید و بدانید که خداوند شما را یاری خواهد کرد.(۳)

این انتخاب شما انتخاب بزرگی است، این راهی است که اگر پیروز شدید به مقام اعلی می رسید و اگر نتوانید به هدف برسید وضع تان از یک انسان عادی که در راه قطع وابستگی به جایی نرسیده، بدتر خواهد شد و این راهی است که علم

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۵۵.

۲- یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۶۰.

۳- پارسای پر تلاش، ص ۸۶.

تنها نمی خواهد، بلکه عالم ربانی می خواهد.(۱)

و) نماز شب

و) نماز شب

این که گاهی امیرالمؤمنین علیه السلام این قدر برای نماز شب اصرار دارد، به چه جهت است؟ به این جهت است که انسان اگر سالیان دراز پشت سر هم [نماز شب بخواند] آن وقت به جایی می رسد، [که] با یک شب نماز خواندن، دو شب خواندن، بعد رها کردن [آن]هیچ اثری ندارد.

نماز شبی که [خدا] درباره آن می فرماید:

«و لا تعلم نفس ما أخفی لهم من قره اعین جزاءً بما کانوا یعملون؛ و هیچ کس نمی داند که ما در پاداش این نماز شب بر ایشان چه ذخیره کرده ایم». شما خیال می کنید اگر نمی توانی بلند شوی نماز شب بخوانی به همین سادگی هاست؟ یا اگر می توانی به همین سادگی هاست؟ روایات در مورد نماز شب دارد که [می فرماید]: اگر مسلمانی نماز شب می خواند و بعد متوجه شد [که] عجب و خود پسندی دارد او را می گیرد، ملائکه را موکل می کنم که بروند به هر قیمتی که شده این [فرد خودپسند]را به خواب بیندازند تا موفق به نماز شب نشود تا چون یک بنده خوبی است، اهل عبادت است، عجب را که از این، هر شب نماز خواندن به او دست داده از بین برود.(۲)

انسانی که نتواند خواب و بستر گرم را رها کرده، برای نماز شب از آن بگذرد، در آینده از خیلی چیزها نخواهد گذشت.(۳)

۱- پارسای پر تلاش، ص ۲۵. روزنامه اطلاعات، ش ۱۷۳۹۲، ۱۳/۶/۶۳، ص ۱۸.

۲- یادنامه شهید قدوسی، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۳- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۸۵۵، ۱۴/۶/۷۵، ص ۶.

فصل هفتم: شهادت

اشاره

فصل هفتم: شهادت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امریکا شیطان بزرگ، تمام نیروی خود را در دو جبهه داخلی و خارجی، برای مبارزه با مردم مسلمان و علمای دینی به کار گرفت تا انقلاب اسلامی را به زانو درآورد.

دشمنان در خارج از کشور با تبلیغات گسترده خویش کوشیدند تا نظام اسلامی را آشفته و ناتوان جلوه دهند. آنان با راه انداختن جنگ خونین و نابرابر، کوشیدند تا نهال نو پای انقلاب را از بنیان بر کنند و در داخل نیز با به شهادت رساندن چهره های فعال و شاخص نظام به ارکان مملکت خللی وارد کنند. گرچه در هر سه مورد شکست خوردند و انقلاب اسلامی با فرستادن پیام آزادی خویش به تمام آزادگان عالم، نقشه های شوم آنان را نقش بر آب کرد، ولی شهادت هر یک از این بزرگان، امت انقلابی را در سوگ خود نشاند.

پس از شهادت آیت اللّه بهشتی و یارانش در هفتم تیر، غبار اندوه بر قلب شهید قدوسی نشست که جز با شهادت زدوده نشد.

وی همواره تأسف خود را از حاضر نشدن در دفتر حزب بیان می کرد و آن را نشانی از بی سعادتی خود می دانست.

هیچ کس شـهید قدوسـی را آنچنان که در واقعه هفت تیر بی تابی می کرد، ندیده بود. وقتی با بدن غرق در خون بهشتی روبه رو شـد، آنچنان گریست که نزدیکانش برای جلوگیری از بروز حادثه ای ناگوار، او را از سـردخانه خارج کردند. شاید کسـی باور نمی کرد، مردی چنین صبور که حتی در شهادت فرزندش نگریسته بود، چنین دگرگون شود.

ایشان بنا به دعوت شـهید آیت اللّه بهشتی قرار بود آن شب نیز مانند شب های دیگر در آن جلسه شرکت کند. به همین سبب، از دادستانی به سوی دفتر حزب جمهوری حرکت می کند که یک باره در میان راه، تصمیم می گیرند به منزل بروند.

پس از شـهادت فرزندان راستین انقلاب، شـهیدان رجایی و باهنر، این دو ققنوس عشق و دو پرنده مهاجر خونین بال، در هشـتم شهریور، او همواره در انتظار شهادت بود.

نزدیکانش می گویند: «در روزهای آخر زندگی، یک حالت عرفانی خاصـی داشت و پیوسـته در انتظار شـهادت بود».(۱) پس از آن واقعه، به راحتی می شـد بی تـابی را در وجود شـهید قدوسـی دیـد. بیشتر اوقـات غبطه می خورد که چرا من پیش آنـان نیستم یا خوشا به حال آنان(۲) که پیش هم هستند.

ولی چند روز پیش از شهادت، این حالت ها تبدیل به سرور و شادی می شود. شاید همه دوستان و نزدیکانی که روزهای آخر با او بودند این مسئله را

۱- مجله اعتصام، ماهنامه انجمن های اسلامی، ش ۴۱، ۲/۶/۱۳۶۴، ص ۵۱.

۲- منظور شهید بهشتی، شهید رجایی و باهنر است، یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۲۳.

تصـدیق می کنند که شـهید قدوسـی، در آن روزها شوق عجیبی داشـتند. برادرانی که در دادسـتانی با ایشان بودند، می گفتند «در آن اواخر دیگر به کارها بی علاقه شـده بودند و توجه زیادی به آن نمی کردند.» گویا وی می دانست پس از سال ها سـیر الی اللّه ، اکنون زمان خروج از ظلمت به سوی نور فرار رسـیده است و آنچنان به شوق آمده بود که برخلاف عادت همیشـگی اش، اکنون دیگر توان پنهان کردن این حالت را نداشت.(۱)

پرواز به سوی دوست

پرواز به سوی دوست

چهاردهم شهریور، یادآور جنایت دیگری از جنایت های نفرت انگیز کوردلان منافق و سر سپردگان امپریالیسم و دل به قدرت باختگانی است که حیات خود را در نبود اسطوره ها و اسوه هایی چون شهید قدوسی رحمه الله، جست و جو می کردند.

شهید قدوسی در دوران انقلاب همگام با مردم، برای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش بسیاری کرد و پس از آن نیز در دادستانی کـل انقلاب بـا نهایت جـدیت، تقوا، قاطعیت و خلوص به انجام وظیفه پرداخت. پس از چنـدی به سـبب اثرگـذاری بسـیار در سامـان دادن به رونـد دادگـاه هـای انقلاب، به عنوان یکی از اعضای شورای عالی قضایی برگزیـده شـد. بایـد گفت با حضور چهره شهید قدوسی، دادگاه های انقلاب رنگ قداست و تقوا به خود گرفته بود.(۲)

۱- یادنامه شهید قدوسی، ص ۴۶.

۲- عدالت در خون، ص ۱۲۹.

سرانجام در همین سنگر، در روز سه شنبه، ۱۴/۶/۱۳۶۰، ساعت ۴۰/۸ دقیقه بامداد، در حالی که با قصد قربت کار روزانه خود را آغاز کرده بود، بر اثر انفجار بمب آتش زا، در یکی از دفاتر ساختمان مرکزی دادستان کل انقلاب، از ناحیه پا و سینه مجروح شد. سپس بی درنگ به بیمارستان و اتاق عمل منتقل شد. ساعت ۱۱، وی را به بیمارستان شهدا انتقال دادند تا با دقت بیشتری درمان شود، ولی در ساعت ۳۰/۲ دقیقه بعد از ظهر، در اتاق عمل به خیل شهدای انقلاب پیوست و به ملکوت اعلی شتافت.(۱) آری او به آرزوی دیرینه خود دست یافت. چنان که یکی از دوستانش می گوید:

همواره ایشان نگران بود و گریه می کرد که نکند مرا کسالت و مرض از پا در آورد و شهادت نصیبم نشود!

مراسم تشیع جنازه شهید قدوسی

مراسم تشیع جنازه شهید قدوسی

پیکر پاک شهیدان قدوسی و دستجردی(۲) در روز یک شنبه ۱۶/۶/۱۳۶۰ ساعت ۳۰/۹ صبح، بر روی دست های توانای امت اسلام تشییع شد. در مراسم تشییع جنازه این گلگون کفنان آیت اللّه مهدوی کنی، نخست وزیری وقت، عده ای از وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، روحانیون و نیروهای مسلح

۱- عدالت در خون، ص ۲۶؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵/۶/۶۰، ش ۶۵۳، ص ۱۲.

۲- شهید سرهنگ هوشنگ وحید دستجردی، رئیس کل شهربانی جمهوری اسلامی، سرباز مؤمن و فداکار جمهوری اسلامی در روزهایی به شهادت رسید که بیش از یک هفته از رویش لاله های سرخ شهادت بر مزار شهیدان بزرگوار رجایی و باهنر نگذشته بود. او در فاجعه انفجار دفتر نخست وزیری به سختی مجروح و در بیمارستان قلب تهران بستری شد و ۶ روز بعد، در بامداد چهاردهم شهریور، در حالی که ذکر خداوند بر لبانش بود به آرزوی دیرینه خود شهادت رسید. (کیهان، ۱۴/۶/۷۱، ص ۶).

سه گانه شرکت داشتند.

جمیعت بسیاری در صحن مدرسه عالی شهید مطهری گرد آمده بودند و بسیاری از مردم در حالی که شاخه های گل در دست داشتند، فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر منافق را سر می دادند.

پس از به خاک سپاری شهید دستجردی در بهشت زهرای تهران، بدن مطهر شهید قدوسی به شهر مقدس قم منتقل شد و در مسجد بالاسر، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام به خاک سپرده شد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد!(۱)

۱- کیهان، ش ۱۱۳۷۵، ۱۴/۶/۶۰، ص ۲.

فصل هشتم: شهید قدوسی از نگاه دیگران

اشاره

فصل هشتم: شهید قدوسی از نگاه دیگران

زیر فصل ها

۱. پیام ها

۲. سخنان

۱. پیام ها

بخشی از پیام تسلیت امام خمینی رحمه الله:

... این جانب سالیان طولانی از نزدیک با او سابقه داشتم و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم.

شهادت بر او مبارک و «وفود الی اللّه » و «خروج از ظلمت» به سوی نور بر او ارزانی باد! راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت. چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشیدند و با سرافرازی به لقاء اللّه رسیدند و این همان است که اولیای معظم حق تعالی آرزوی آن را می کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می کردند.

گوارا باد! شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی و به خصوص شهدای اخیر ما که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار رحمت حق شتافتند و افتخار برای اسلام و ننگ ونفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند... .(۱)

ننگ و خسران بر کسانی که گمان می کنند با این شرارت ها ملّت شریف ایران را که برای اقامه عدل اسلامی قیام نمودند، از صحنه مبارزه با کفر خارج می نمایند و تن به عار و ذلت ابر قدرت های جنایتکار می دهند.(۲) این کوردلان شکست

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

۲- پارسای پر تلاش، ص ۱۴۴؛ یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۷؛ پیام انقلاب، ش ۹۲، ص ۴۳؛ کیهان، ش ۱۵۱۴۸، ۱۳/۶/۷۳، ص ۶.

خورده نمی بینند که مادران، پدران فرزندان و همسران این شهدا چون قهرمانان صدر اسلام به شهادت اینان افتخار می نمایند و چون کوهی در مقابل حوادث ایستاده اند؟ گویی اینان از شدت یأس به جنون کشیده شده اند و چون خود را مطرود ملت مسلمان می بینند، از ملت ایران انتقام می کشند.(۱)

پیام تسلیت حضرت آیت اللّه گلپایگانی به آیت اللّه علامه طباطبایی

حضرت آیت اللّه علامه طباطبایی... شهادت پر افتخار مرحوم حجت الاسلام آقای قدوسی (طاب ثراه) که عمر خود را در حوزه علمیه قم به تعلیم و تربیت طلاب و محصلین علوم دینی و مجاهدات طاغوتی صرف نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقام دادستانی کل انقلاب صادقانه خدمت کرد و عاقبت و در همین راه مقدس به دست عناصر مزدور و خائن به اسلام و مسلمین به لقاء اللّه پیوست، به حضرت عالی و سایر بازماندگان محترم و حوزه های علمیه تبریک و تسلیت عرض می کنم.(۲)

پیام تسلیت حضرت آیت اللّه خامنه ای، رئیس جمهور وقت و امام جمعه تهران به آیت اللّه علامه طباطبایی

حضرت آیت اللّه العظمی حاج سید محمدحسین علامه طباطبایی دامت برکاته، با نهایت تأسف شهادت حجت الاسلام و المسلمین آقای علی قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی را به جنابعالی و خانواده آن شهید تبریک و تسلیت گفته، استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان و بقای عمر شریف را از درگاه باری تعالی خواستاریم.(۳)

۱- شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، ص ۵۶۸.

۲- شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، ص ۵۶۹.

۳- شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، ص ۵۶۸.

۲. سخنان

حضرت امام خمینی رحمه الله:

شهادت آقای قدوسی به نفع اسلام بود، آقای قدوسی خدا رحمتش کند، خوب می شناختم چه آدمی است. چقدر به این آدم [تهمت ها زدند]که مردم را دارد چه می کند، می کشد، چه می کند و... من می دانستم که [ایشان]چه [جور]آدمی است، محتاط؛ در احتیاط، حتی در [باره]مالیات آن قدر از او شکایت کردند که این آقا احتیاط می کند، نمی گذارد چیزی را که باید خرج کرد، خرج کنند. لکن وقتی که به [درجه رفیع]شهادت رسید، یک دفعه، یک دسته بیدار شدند که این ها(۱) یک همچون افرادی را دارند شهید می کنند. این ها هر [کسی]از ما و شما را شهید بکند، به نفع اسلام است و ما از این خوفی نداریم و به ضرر آن ها است.(۲)

ضایعه بزرگ شهادت مرحوم آقای قدوسی باعث تأسف و تأثر است. من سال های طولانی با او آشنا بودم... .

آقای قدوسی هم عالم بود و هم متّقی.(۳)

حضرت آیت اللّه خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی:

... هم پر کار بود، خسته نمی شد. هم پشتکار داشت. این طور نبود که یک کاری را رها کند و به دنبال کار دیگر برود. نمونه آن مدرسه حقانی] است]. اگر

۱- اشاره به گروهک منافقین دارد.

۲- ایثار و شهادت، ص ۳۱۲؛ صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۳۹. سخنان امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی

۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۶. (سخنان امام خمینی رحمه الله در جمع گروهی از شاگردان و تربیت یافتگان مدرسه شهیدین و اعضای خانواده آن شهید)

ریاست مـدرسه حقانی با کسـی غیر از آقای قدوسـی بود، من باور نمی کنم که این مـدرسه، به این انـدازه از فواید و آثار می رسـید. این مرد بود که نشـست آنجـا، حواسـش را جمع کرد، از همه کارهـای خود بریـد، به هیـچ کـار دیگر نپرداخت تـا این مدرسه را به این رونق رساند و از لحاظ شکل و محتوی مدرسه را به حد مطلوب و قابل توجهی قرار داد.(۱)

شهید قدوسی شخصیتی بود که متأسفانه بعد از شـهادت او کمتر در مورد خصوصیات بارزش صحبت شده و بایستی گفت شهید قدوسی از آن چهره های نادری است که می توان او را به عنوان یک الگوی نمونه مطرح کرد... .

مقام ثبوت شـهید قدوسی بسیار بیشتر از اثباتش بود و از جنبه معنوی نیز ارتباط قهری و طبیعی ایشان با مرحوم علامه طباطبایی به وی چهره خاصی داده بود.(۲)

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی؛ ریاست مجلس شورای اسلامی وقت:

یک خصوصیت بارز ایشان نظم و قاطعیت بود در بین همه ما ایشان زبانزد بود به نظم و قاطعیت و به همین دلیل ما برای ایشان مـدیریتی قائـل بودیم و کارهـایی که در آن روزهـا احتیـاج به مـدیریت قـاطعی داشت به ایشان سپرده شـد. به همین دلیل، هم ایشان را مسئول محاکمات آن زمان کردنـد و اول مسـئول زندانی های بازداشتی رژیم قبل، که روزهای اول انقلاب خیلی بی نظم بود کردند و این کار برای این شد که بشود به آنجا نظمی داد.(۳)

۱- روزنامه جمهوری، ش ۲۹۰۷، ۱۳/۶/۶۵، ص ۹؛ یادنامه شهید قدوسی، ص ۱۵۳.

۲- روزنامه کیهان، ش ۱۱۶۶۷، ص ۱۴/۶/۶۱، ص ۱۳.

۳- رویدادها، ج ۱، انتشارات دبیر خانه مرکزی ائمه جمعه، چاپ اول، ص ۴۱۶.

آیت اللّه حاج شیخ احمد جنّتی:

شهید قدوسی، در برخورد با تخلفات طلاب، انتقادات تند، سوء رفتارهای بعضی از مخالفین و... دستخوش احساسات نمی شد، مدتی که با هم در دادگاه انقلاب اصفهان کار می کردیم و آن زمان کار بازجویی و قضاوت غالبا هر دو به عهده قضات بود، در بازجویی ساواکی ها که گاهی چیز واضح را انکار می کردند و جنایات خود را توجیه می نمودند، هیچ (گاه) تند و عصبانی نمی شد. همه حرف ها را می شنید و آرام جواب می داد یا سؤال های جدید مطرح می کرد، در یک جلسه که من تند و [عصبانی]شدم، پس از پایان جلسه خیلی ملایم به من تذکر داد که این نوع برخورد صحیح نبود، من هم پذیرفتم و همین جا باید از خصال حمیده او بشمارم که تذکرات لازم را درمیان جمع به اشخاص نمی داد که موجب وهن شود، همیشه رعایت حرمت افراد را داشت.

برای رسیدن به هدف ها سعی می کرد بی خطرترین یا کم خطرترین راه را انتخاب کند. هیچ وقت به شیوه های ساده لوحانه و عجولانه که معمولاً ندامت [به دنبال داشت] و شکست پذیر است متوسل نمی شد. به همین سبک، در مبارزات اقدام می کرد و با ساواک مواجه می شد. بسیاری از کارها و حرکت های مبارزاتی در مدرسه شکل می گرفت، امّا از شهید قدوسی ردپایی نمی توانستند بیابند.(۱)

۱- یادنامه، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.

فصل نهم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

فصل نهم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

۱. متون ادبی

۲. اشعار

۱. متون ادبی

اشاره

۱. متون ادبی

باز هم قلم، سوگوارانه به یاد شـهیدی از تبار شهدای این انقلاب می گرید و می نگارد که آبروبخش حوزه و تکیه گاه طلاب و مربی وارسـتگان بود. وسعتی که در روح برخی بزرگان است، نه در ظرفیت واژه ها می گنجد، نه در تصوّر انسان ها و نه در حجـم زمـان هـا به ویژه آن گـاه که این گـونه روح هـای بزرگ، از سـکویی به رفعت شـهادت، به معراج حـق پر کشـند و در بیکرانه ای به وسـعت لقاءاللّه بال گشایند. این جاست که دیگر، نه قلم را یارای تعریف است و نه قلم زن را توان توصیف. این قلم زن، اکنون به یاد آن جان پاک و افلاکی از واژه ها وام می گیرد تا یاد آن فضـیلت پرور خفته در خاک را، برای چنـدمین بار زنده کند تا مگر ادای حقّی باشد هر چند اندک از آن انسان بزرگ و شهید والا.(۱)

شهادت، واژه ای آسـمانی است و شـهید در پناه حق سـبحانه و تعالی آرمیـده است. مپندار که او مرده است، بلکه زنده است و در بارگاه حق جل و علاست.

شهادت پیام سرخی است که از دروازه های بیکران آسمان به اوج می رود و

۱- کیهان، ۱۴/۶/۱۳۷۱، ص ۶ جواد محدثی.

بازماندگان عاشق را به شورش وا می دارد. شـهادت راز سـرخی است که از جهاد و کوشـش خبر می دهد، از مجاهدتی عظیم در راه رسیدن محبوب.(۱)

شهادت تحفه ای است الهی که ویژه بنـدگان برگزیـده و مخلص خـداست و آخرین آرزوی بندگان عارف و صدیق خداست. دست یابی بدان، برای کسانی میسر است که شایستگی نشستن بر روی خوان نعمت الهی در آن حیات جاویدان دارند.

و این هدیه عظیم الهی در روز چهاردهم شـهریور، به مبارز خسـتگی ناپذیر، انسان مخلص و بنده شایسـته خداوند، شهید آیت اللّه قدوسـی بخشیده شد که برای رسیدن به مقام «عند ربهم یرزقون» آن را با کمال شوق در آغوش گرفت و به آن سوی مرز، مرز حیات همیشگی و مرز عزت و سربلندی رهنمون شد.(۲)

خط سرخ شهادت استمرار پیام الهی در لحظه لحظه زمان است. اگر فرزند در مصاف با متجاوزان کفر پیشه بعثی، مزدوران سر سپرده شـیطان بزرگ به شـهادت می رسد، پدر نیز در نبرد با منافقین وابسـته به امریکا شهید می شود. آیا این خود تقدیر الهی نیست که این چنین چهره پلید منافقان را رسوا می سازد.(۳)

انفجاری که روح بلند قدوسـی را از قفس تن پرواز داد، فریاد رسوایی شب پرستان بود و طلوع خورشیدی دوباره را در آسمان شهر نوید داد. آن

۱- کیهان، ش ۱۵۱۴۸، ۱۳/۶/۷۳، ص ۶.

۲- پیام انقلاب، ش ۶۹، ص ۱۴.

۳- شهدای روحانیت در یک صد سال اخیر، ص ۵۶۹.

انفجار، فریاد رستگاری بود که از گلدسته های شهادت برخاست و شهید قدوسی را به مهمانی فاطمه علیهاالسلام برد تا در پیوند با اقیانوس جاوید و بی کران هستی، روحش را به دست امام علی علیه السلام از کوثر کمال سیراب سازد.

روح فرازمند او در جایگاهی بالاتر از اندیشه پر می زد وسعت قلبش و ژرفای اندیشه اش او را از هرگونه تعلق جزئی بریده و جامه تقوا و پرهیز را بر قامت دل او پوشانده بود. او زنجیر وابستگی های بی معنا را با لبه تیز اراده برید و راهی در پیش گرفت که به هستی بی کران و مطلق منتهی می شد و پروانه وار گرد وجود شمع جانان می سوخت.

شهادت پاداش خدمت

۱. شب های سرد و سیاه عصر طاغوت را، اگر ستارگانی فروزان بودند، تو یکی از آنان بودی. کویرهای خشک پیش از انقلاب را، اگر چشمه سارانی سیراب کننده عطش ها بود، تو یکی از آن چشمه ها بودی، تو پناهگاه شورآفرینانی بودی که با شعور پیوند داشتند.

تکیه گاه رزمندگانی بودی که با راز شب آشنا بودند.

الهام بخش نهال های نو رسی بودی که به خودسازی می اندیشیدند.

معلم وارسته کسانی بودی که اخلاق را می طلبیدند.

در کنار جهاد، به اجتهاد می اندیشیدی و در برابر شتاب درسی به عمق تحصیل تأکید داشتی.

در کنار سلاح، عرفان را ضروری می دانستی و همراه قاطعیت، گذشت داشتی و عزت نفس را همراه با تواضع و خاکساری تعلیم می دادی. یگانه بودی، ای مرد! ای شهید صداقت!... .

۲. اگر زندگی را معنایی باشد، در حیات پر بار همچون تویی باید جست.

اگر عشق به هدف و ایمان به مقصد را مصداقی باشد، زندگی ات یک مصداق است.

اگر عزّت یافته بودی، پاداش همان خدمت های دیرپای بی ریای شبانه روزی ات بود.

بی ریا بودی و متواضع، پر کار و کم حرف، سخت کوش و نستوه!

۳. شهادتت گرامی باد، ای معلم اخلاق و ای مربی طلاب و ای آموزگار اخلاص! ... اینک به یاد تو چه می توان گفت؟ ... جز از ایثار و فداکاری و ... عشق و سوختن و گداختن، نباید چیزی گفت:

ای عشق مجسم! ای مجسمه تقوا و اخلاص!...

یادت گرامی باد، ای یاد معطر! ای روح مقدس. ای قدوسی قدیس! ...(۱)

مگر می توان صبح را دید و نخندید؟ مگر می توان اشک را دید و نگریست؟

مگر می توان قداست یک حیات را تقدیس نکرد؟

مگر می شود عظمت روح را دید و در مقابلش تعظیم ننمود؟

مگر می شود کرامت یک انسان را مشاهده کرد و آن را تکریم نکرد؟

۲. اشعار

اشاره

۲. اشعار

آن را که کار بهر رضای خدا کند

باشد رضا، بر آن چه خدا را رضا کند

در هر زمان رضای خدا، مدعای اوست

۱- روزنامه رسالت، ش ۳۶۶۳، ۱۵/۶/۷۷، ص ۵؛ یادنامه شهید قدوسی، صص ۲۰۱ _ ۲۰۴.

ندهد رضا به هر چه زمان اقتضا کند

آن کو چشید شهد تولای مرتضی

سیراب، ساقی اش ز زلال بقا کند

در راه عشق دوست چه قدوسی عزیز

هستی خویش را همه، یک جا فدا کند

از مال و جاه و حشمت و فرزند بگذرد

ایثار جان، به راه رضای خدا کند

یک دم برون ز سنگر حق پا نمی دهد

گر در میان آتش بیداد جا کند

گر سوزدش زنار ستم خصم کینه توز

در قطعه قطعه پیکر او از دغا کند

بسپرده سر به خط خمینی و با خلوص

خاک رهش به دیده خود توتیا کند

تا لوح عشق را زند از خون خود، رقم

تا عدل را علم همه در ما سوی کند

چون میثم از حقایق اسلام دم زند

تا جان به اوج دار، ز دست جفا کند

مردانی آن که در ره معشوق جان سپرد

بی شک مقام در حرم کبریا کند(۱)

۱- پیام انقلاب، ش ۶۲، ص ۸۲.

اسوه مردم

دوستان، آن درّ یگانه کجاست

ساقی بزم عاشقانه کجاست

آن سراپا حقیقت و اخلاص

اسوه مردم زمانه کجاست

یک جهان شور بود و غوغا بود

اینک آوای آن چغانه کجاست

سوخت در آشیانه بال و پرش

مرغ شب خیز آشیانه کجاست

همچو نی دل گداز می نالید

دیگر آن نغمه و ترانه کجاست

مفتی عشق بود و فتوا داد

سوختن را دگر بهانه کجاست

یا رب آن ساقی خداجو کو؟

شاهد و باده چمانه کجاست

آن که ما را نشانه بود و امید

چه شد اکنون از او نشانه کجاست

مردم دیده «پریشان» کو

دوستان، آن در یگانه کجاست(۱)

۱- پیام انقلاب، ش ۶۶، ص ۸۲.

ص:۹۲

ستاره ثاقب

سحر شکفتی و بر اوج نور لانه گرفتی

غروب شعله کشان در شفق زبانه گرفتی

چنان غریو کشیدی، میان بستر گل ها

که سکر خواب خوش از عطر رازیانه گرفتی

نسیم مویه کنان آمد از حماسه توفان

پر از شمیم تو، کان جام جاودانه گرفتی

به شوق کعبه مقصود، بال عشق گشودی

همه یقین شدی و راه بر نشانه گرفتی

در سوگ آن شهید مهاجر

آنجا نشسته است

آن دور دست ها... آن سوی ابرها

آنجا که جاده ها

با پیچ و تاب خود

تا آن انتهای روز،

خود را کشیده اند

آن سوی لحظه ها

آنجا که دشت ها، پر از شقایند

آنجا که لاله ها، همواره عاشقند

آنجا که عاشقان

در پیشگاه دوست، همواره حاضرند.

چابک سوار بود و سحر خوان

درد آشنا و دیده بیدار

قلبش به یاد دوست، همانند عارفان

بر پا و استوار، چنان سرورش علی علیه السلام

* * *

چابک سوار صحنه پیکار

اهل دعا و درد

هم مرد کارزار

اندیشمند و عارف و نستوه

در موج تند حادثه ها، سنگر امید

در خشم باد و تندر و طوفان

دریا دلی عظیم

* * *

روح بلند او

تا اوج قله های زمان پر کشیده بود

چشمان پاک او

سرشار از عطوفت و ایثار

مهر از نگاه او

گرما گرفته بود

قلبش چنان لطیف

چون آب چشمه سار

روحش چنان زلال

چون اشک عاشقان

در راه عشق خود

مانند شمع بود

می سوخت پر لهیب، اما بسی خموش

می سوخت، می گداخت

از آتشی که در دل خود داشت

* * *

اما دریغ، که آن مرد

اندر میان ما

تنها... غریب زیست

در بین دوستان

چون آشنای دور

مظلوم و بی صدا، شاید به فکر یار

او، سالیان سال

در انتظار وصل

از نای بی قراری عشقش،

نالید، همچو نی،

افروخت، همچو شمع،

رویید، چون بهار

* * *

مانند برای او که مسافر بود

دنیا برای او که مهاجر بود

دشوار بود، همچو مجلس محدود

اما، آن شب زنده دار و هماهنگ،

در راه وصل یار

با شوق و بی قرار

بر بال های سرخ شهادت نشست درخت

در قرب قدس، خالق قدوس

آرام، جا گرفت

رفت از کنار ما،

مهمان قدسیان و شهیدان گشت

* * *

در سوگ آن شهید

ایثار گریه کرد

تقوا عزا گرفت

ایمان به خون نشست

از دیده های ما

خون، جای اشک ها

آرام می چکید

آرام می چکید.(۱)

۱- یادنامه شهید قدوسی، صص ۹ _ ۱۱.

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

پیشنهاد برنامه ای

پرسش های مردمی

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

پیام های مجری

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

انقلاب اسلامی ایران، ره آورد جوشش چشمه های ایمان و جهاد بزرگ مردانی است که با همه وجود در راه خدا و خلق خدا گام برداشتند. شخصیت هایی که با نثار جان و مال، تمام هستی خود را در طبق اخلاص گذاشتند و جوانانی را پرورش دادند که با خون خود، درخت این انقلاب را آبیاری کردند.

بی شک، اگر پای مردی و رشادت های این دلاورمردان صحنه انقلاب نبود، تاریخ رنگ دیگری به خود می گرفت.

از جمله شخصیت های درخشانی که نقش موثری در پیش برد این نهضت و تربیت طلاب داشته است، شهید آیت اللّه قدوسی است.

اینک پس از گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به این که جمعیّت جوان کشور، در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نبوده اند و شناختی از این شخصیت ها و مجاهدت های آنان ندارند، لزوم شناساندن بیش از پیش عوامل پیروزی این نهضت آشکارتر می شود؛ چه آن که خداوند متعال در هر دورانی نمونه هایی از فضیلت و انسانیت را

در جوامع انسانی می پروراند تا مصادیق عینی تربیت الهی و شاهدی صادق بر

امکان تعالی نفس انسانی و الگوهایی زنده و گویا برای هم نوعان خود باشند و آن گاه که ابرمرگ چهره نورانی یکی از این ستارگان آسمانی فضیلت را بپوشاند، بر ناظران و شاهدان فرض است که از زیبایی های آن زیبایی پنهان بگویند و حامل و ناقل بخشی از انوار آن منابع نور برای دیگران و آیندگان باشند. شایسته است با تولید برنامه هایی مداوم، تلاش این رسانه در معرفی این عزیزان گسترش یابد و جنبه های گوناگون شخصیتی آنان بیشتر بیان شود.

در شخصیت شهید قدوسی، نکته های آموزنده و ارزنده ای مانند اخلاص، احتیاط در بیت المال، قاطعیت، مدیریت، نظم و... وجود دارد که در فصل هفتم درباره آن سخن گفتیم. شایسته است برنامه سازان با معرفی این شهید گامی دیگر در راستای نشر فرهنگ اسلامی بردارند.

پیشنهاد برنامه ای

پیشنهاد برنامه ای

برجستگی و ممتاز بودن شهید قدوسی در بسیاری از فعالیت ها و ویژگی ها، بیان خاطرات و مطالب مناسب دیگری که در این پژوهش گرد آمده است، زمینه های مناسبی را برای برنامه سازی فراهم کرده است. در این جا به برخی از سوژه ها و برنامه های مناسب اشاره می کنیم:

۱. تهیه برنامه مناسب یا گزارش از چگونگی ترور شهید؛

۲. پخش گوشه هایی از زندگی شهید قدوسی به صورت مستند؛

۳. گفت وگو با آشنایان و مریدان شهید قدوسی و بازگو کردن خاطره آن شهید سعید؛

۴. دعوت از خانواده و فرزندان شهید قدوسی در برنامه های گوناگون، مانند برنامه خانواده، برای بیان رفتار ایشان در خانواده و اجتماع؛

۵. تشکیل میزگرد با حضور استادان حوزه و دانشگاه درباره فعالیت انقلابی و شخصیت علمی و عرفانی شهید قدوسی و بیان الگوهایی از زندگی ایشان برای مسئولان، روحانیان و مردم؛

۶. تهیه گزارش از فعالیت های اجتماعی و فرهنگی شهید قدوسی.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. تا چه اندازه با شهید قدوسی آشنایی دارد؟ شهید قدوسی چه مسئولیتی داشت؟

۲. آیا می دانید شهید قدوسی چه نسبتی با علامه طباطبایی رحمه اللهداشت؟

۳. منافقان با چه انگیزه ای ایشان را به شهادت رساندند؟

۴. چه کسی از نزدیکان شهید قدوسی به شهادت رسیده اند؟ در کجا و مقبره ایشان کجاست؟

۵. مقبره شهید قدوسی کجاست؟

۶. چه ویژگی هایی از شهید قدوسی می شناسید که می تواند برای ما الگو باشد؟

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. شهید قدوسی در کدام شهر به دنیا آمد؟ نهاوند.

۲. شهید قدوسی فلسفه، را نزد چه کسی فرا گرفت؟ علامه طباطبایی رحمه الله.

۳. شهید قدوسی، مدیریت کدام مدرسه را بر عهده داشت؟ مدرسه حقانی.

۴. آیت اللّٰه شهید قدوسی در هنگام شهادت، چه سمتی داشته اند؟ دادستان کل انقلاب.

۵. نام فرزند شهید قدوسی که در هویزه به شهادت رسید؛ چه بود؟ محمدحسن.

۶. شهید قدوسی در کجا و به دست چه کسی به شهادت رسید؟ در ساختمان مرکزی دادستانی کل، به دست گروهک های منافقین.

۷. آرامگاه شهید قدوسی در کدام شهر قرار دارد؟ در شهر مقدس قم، کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام .

۸. شهید قدوسی در چه تاریخی به شهادت رسید؟ چهاردهم شهریور هزار و سیصد و شصت.

۹. او کیست؟ از دودمان فضیلت و اهل علم و تقوی، که در سال ۱۳۰۶ ه . ش در نهاوند به دنیا آمد. پدرش آیت اللّٰه ملا احمد قدوسی نام داشت. تحصیلات ابتدایی و اول متوسطه را در نهاوند گذراند و در ۱۵ سالگی برای ادامه تحصیلات در زمینه علوم اسلامی به حوزه علمیه قم رفت تا آب را از سرچشمه بیاشامد و میوه را از شاخه بچیند و چهره اسلام را بی نقاب و بی پرده از نزدیک ببیند. با وجود مشکلات اقتصادی و فقر مادی، تحصیلات خود را پی گرفت و در حالی که در سن کم در غربت به وی سخت می گذشت و در حجره ای کوچک همراه با چند نفر از دوستان در آن زندگی می کرد درس را ادامه داد و از محضر اساتید آن زمان آیت اللّٰه بروجردی رحمه اللهو حضرت امام خمینی رحمه الله و هم چنین علامه محمدحسین طباطبایی کسب فیض کرد. در جلسات درس اصول و فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی شرکت می کرد.

تا این که این ارتباط معنوی میان او و استاد سال ها ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۳۳۴ ه . ش داماد آن بزرگوار شد.

در این وادی، با عزیزانی چون شهید بهشتی و شهید مطهری هم دوره بود که پا به پای هم در همه صحنه های علمی و مبارزاتی و آموزشی بودند.

نسبت به حوزه علمیه نظریه اصلاحی خاصی داشت که به همراه جمعی از یاران در فکر تشکیل جمعیّتی برای تحرک بخشیدن و نهضت اسلامی حوزه بود. این جمع در سال ۱۳۴۴ ه . ش به وسیله ساواک شناسایی و دستگیر شدند.

پس از مدتی آزاد شد و بار دیگر در تعقیب همان اندیشه و اهداف بود. وی با چهره های مبارز دانشگاهی ارتباط داشت و با پذیرفتن مدیریت مدرسه منتظریه (حقانی) در راستای همین اهداف به تربیت شاگردانی پرداخت که در جمهوری اسلامی از بازوهای پر توان دستگاه قضایی و اجرایی شدند.

با ابتکار وی مکتب توحید برای دروس اسلامی خواهران تأسیس شد که برنامه های مفید آن اثرگذاری چشمگیری داشت.

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت و نیز در ضدّیت با حزب توده آن روز، فعالیت داشت.

در نهضت فدائیان اسلام هم، با شهید بزرگ، نوّاب صفوی همکاری و هم فکری داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا مدّتی در قم، در ستاد انقلاب و امور قضایی فعّالیت می کرد که در حکمی از سوی امام خمینی رحمه الله به دادستانی کل انقلاب منصوب شد.

فرزند بزرگ وی که دانشجوی دانشگاه مشهد و از دانشجویان پیرو خط امام بود، در ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران مجروح شد. پس از انقلاب، در دفتر

تحکیم وحدت فعالیت می کرد که با شروع جنگ تحمیلی به کربلای خوزستان شتافت و یکی از ۱۶۰ شهیدی بود که در ماجرای هویزه، دسته جمعی به شهادت رسیدند.

شهید قدوسی در روز شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ شمسی، هنگامی که چند دقیقه از آغاز کار روزانه وی نگذشته بود، در ساختمان دادستانی انقلاب با انفجار بمبی که عوامل سر سپرده منافقان کار گذاشته بودند، به لقاء اللّه و دیدار یاران شهیدش شتافت.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. نقش شهید قدوسی را در مقابله با گروهک منافقان و حزب توده در منطقه نهاوند در زمان طاغوت، چگونه ارزیابی می کنید؟

۲. نقش شهید قدوسی در تشکّل و سازماندهی جامعه مدرسین حوزه علمیه را بیان نمایید؟

۳. عملکردهای شهید قدوسی را در پیشبرد انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بازوان امام خمینی توضیح دهید؟

۴. نقش شهید در افشای حرکت نفاق گروهک منافقین و بنی صدر را شرح دهید؟

۵. درباره سلوک عرفانی و ویژگی های اخلاقی و الگویی ایشان برای عامه مردم، توضیح دهید.

۶. نقش شهید قدوسی در تأسیس حوزه علمیه خواهران را توضیح دهید؟

۷. نقش شهید در تنظیم روش جدید دروس حوزه را بیان نمایید؟

۸. چرا گروهک منافقان ایشان را به شهادت رساند؟

پیام های مجری

اشاره

پیام های مجری

از جمله مهم ترین مواردی که در روز شهادت آن بزرگوار، در زیر نویس یا پیام گوینده می توان به کاربرد، سخنان بزرگان به ویژه مقام معظم رهبری درباره ایشان و سخن برگزیده خود آن شهید است.

امام خمینی رحمه الله

شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود و مجاهدت های او در راه انقلاب بر همگان روشن است.

آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم.

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصا شهدای عزیز حوزه ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت. پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده اند.

سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم بر گرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقا از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانی ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد.

آنـان که حلقه ذکر عارفـان و دعای سـحر مناجاتیان حوزه ها و روحانیت را درک کرده انـد در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده اند و آنان از عطایای حضـرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شـهادت نرسیده اند. تردیدی نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم ترین پایگـاه محکم اسـلام در برابر حملات و انحرافـات و کجروی ها بوده انـد. علمای بزرگ اسـلام در همه عمر خود تلاش نموده اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

اگر فقهـای عزیز نبودنـد، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسـلام و اهـل بیت علیهم السـلام به خورد توده ها داده بودند. جمع آوری و نگهداری علوم قرآن و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سـنت و سیره معصومین علیهم السلام و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شـرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محور آثار رسالت همه امکانات خود را به کـار می گرفتنـد، کـار آسـانی نبوده است که بحمـدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه و کتاب های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسـفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته های متنوع علوم مشاهده می کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟

بحمـد الله حوزه ها از نظر منابع و شـیوه های بحث و اجتهاد غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی کنم برای بررسـی عمیق همه جانبه علوم اسـلامی طریقه ای مناسب تر از شـیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسـلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است. صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده اند.

از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به حق از جهانی افضل از دماء شـهیدان است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و

میهنی خود مرارت ها و تلخی هایی متحمل شده اند و همراه با تحمل اسارت ها و تبعیدها، زندان ها و اذیت و آزارها و زخم زبان ها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقینا رقم شهدای گمنام حوزه ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته اند زیاد است.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی ـ اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر بالای دار نرفته اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده اند؟

خدا را سپاس می گذاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است.(۱)

آیت اللّه خامنه ای:

چند خصوصیت در ایشان وجود داشت که نه تنها من بلکه همه را جذب می کرد. یکی از آن ها صداقت و صفای این مرد بود. هیچ کلک در کار این آدم نبود.

اگر ریاست مدرسه حقانی با کسی غیر از آقای قدوسی بود، من باور نمی کنم

۱- گزیده ای از پیام امام خمینی رحمه الله، خطاب به روحانیون سراسر کشور، صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۸۸ و ۸۹.

که این مدرسه به این اندازه از فوائد و آثار می رسید.

نگذارند چهره شهید گران قدری مثل شهید قدوسی در زیر غبار فراموشی ها پنهان بماند.

شهید قدوسی از آن چهره های نادری است که می توان او را به عنوان یک الگو و نمونه مطرح کرد.

ایشان فردی مربی و اهل تربیت بودند.

آیت اللّه جنّتی:

به هیچ عنوان نمی خواست عملی را که کرده اظهار کند.

شهید قدوسی، مردی بود که در راه ایفای تعهد همه کارهای مشخص را رها کرد، حضور منظمش در مدرسه و سر کلاس، درس عملی انضباط و تعهد بود.۰

او در وقتی، متصدی دادستانی کل انقلاب شد که نه ضوابطی بر دادسراها حاکم بود، نه افراد معتمد در رأس همه کارها بودند و هیچ قانونی هنوز تصویب نشده بود که بتواند در هر مورد راهنمای مسئولین باشد.

شهید قدوسی:

من برای حفظ اسلام و پیشبرد دین خدا باید عمل کنم، نه برای حفظ شخصیت و آبروی خودم.(۱)

۱- پارسای پر تلاش، ص ۵۸.

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

* قرآن مجید.

* نهج البلاغه.

الف) کتاب ها

۱. دادستانی کل انقلاب، عدالت در خون، سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۱ و ۲، تهران کتاب فروشی اسلامیه.

۳. ربّانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت در یک صد سال، ج ۱.

۴. رویدادها، ج ۱، دبیر خانه مرکزی ائمه جمعه.

۵. عزیزی، عباس، آثار و برکات زیارت عاشورا، انتشارات سلسله.

۶. قدوسی، محمدحسین، شهیدقدوسی، پارسای پرتلاش، سازمان تبلیغات اسلامی.

۷. گروهی از نویسندگان، یادنامه شهید آیت اللّه قدوسی، انتشارات شفق قم.

۸. محدثی، جواد، روایت انقلاب، تهران، نشر امیر کبیر.

۹. مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. مطلبی، سید حسن، گوهر وقت، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۱. موسوی خمینی، روح اللّه ، صحیفه نور، ج ۱۵ و ۱۸، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام رحمه الله، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی رحمه الله.

ب) نشریه ها

۱۳. روزنامه اطلاعات.

۱۴. روزنامه جمهوری اسلامی.

۱۵. روزنامه رسالت.

۱۶. روزنامه کیهان.

ص:۱۰۷

۱۷. مجله پیام انقلاب.

۱۸. مجله عروه الوثقی، ش ۸۲.

۱۹. مجله کیهان فرهنگی، دفتر کیهان فرهنگی، تیر ماه ۶۳.

۲۰. مجله مشکوه، ش ۱۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹